

# نام مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال سوم، شماره ۲۵، یکشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۰  
مطابق با ۲۸ جمادی الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵:۴۰ ریال

## سؤال از «مجاهدین خلق ایران»

سید ابوالحسن علی شریعتی در برنامه ۹ اردیبهشت ماه ۶۰ خود «تظاهرات هواداران مجاهدین خلق و گروه‌های مخالف رژیم» را با تحسین و وجد بسیار پخش کرد. رادیو اویدی در تفسیر این تظاهرات آنرا جنگ «تشیکن آزادی میهنمان» خواند.  
... رادیو پختیار در گفتار روز ۹ اردیبهشت ماه ۶۰ خود بیشترین جا و وقت را به آب و تاب دادن به خبر و تفسیر این تظاهرات اختصاص داد. رادیو پختیار تظاهر کنندگان را «مردم آزادپنجه» توصیف کرد و در قیاس این تظاهرات با مبارزات رزمجویانه مردم در آخرین روزهای عمر منحوس رژیم طاغوت گفت:

«اگر تظاهرات مردم علیه حکومت سابق اکثرا از روی تحریکات و تصمصبات انجام می‌گرفت، و اغلب تظاهرات را به پیمانی‌ها توسط چهره‌های مردم و نامرئی هدایت میشد، امروز مخالفت مردم و ضدیت آنها با این رژیم کاملا واقعی است.»  
... رادیو اسرائیل در برنامه فارسی روز ۷ اردیبهشت ماه ۶۰ خود، به تفصیل خبر تظاهرات «مجاهدین خلق» را پخش کرد. رادیو اسرائیل با بهره‌گیری از ماده خام این خبر، تفسیر دلخواه دشمنان انقلاب ایران و محافل

## شورای نگهبان انتصاب رئیس شهر بانی را از جانب فرمانده کل قوا، غیر موجه دانست

شورای نگهبان قانون اساسی در پاسخ به سؤال نخست‌وزیر درباره انتصاب رئیس شهربانی کل کشور از سوی رئیس‌جمهوری و فرمانده کل قوا این انتصاب را بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی غیر موجه دانست. متن پاسخ شورای نگهبان قانون اساسی به نخست‌وزیر بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم  
جناب آقای رجایی نخست‌وزیر  
جمهوری اسلامی ایران عطف به نامه شماره ۲۱۴۸۰ مورخ ۲۶ اردیبهشت ۶۰، موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و نظر مورد بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام میشود:  
نصب رئیس شهربانی کل کشور به عنوان فرماندهی نیروهای مسلح

دادگاه انقلاب اسلامی مرکز، پتراز بررسی مجدد اسناد بدست آمده از لانه جاسوسی آمریکا در باره اتهامات عباس امیرانظام طی صدور اطلاعیه‌ای، صحت ترجمه این اسناد را مورد تأیید قرار داد. متن اطلاعیه چنین است:

## برنامه حزب رابیا موزیم

# جبهه متحد خلق: استراتژی یا تاکتیک؟ هم استراتژی، هم تاکتیک

- توطئه‌ها و دشواریهای بیشتری در راه است. ما تکران آنیم که وحدت عمل حداقل موجود برای مقابله با دشواریهای بیشتر آینده کفایت نکند.
- اندیشه تشکیل جبهه متحد خلق، بعنوان اصل محوری مبارزه انقلابی کارگران و خلقهای تحت ستم، همچون خط سرخی در آثار مارکسیستی از ۱۳۰ سال پیش تا امروز امتداد یافته است.
- جبهه متحد خلق ضرورت حیاتی انقلاب و ضامن پیروزی قطعی و نهایی آنست. ما با اعتقاد به خلق و نیروهای راستین انقلابی، باور داریم که این جبهه، علیرغم همه دشواریها، بفرنجیها، کارشکنیها و نفاق افکنیها، بحکم «عقل سیاسی» سرانجام تشکیل خواهد شد.

## استقرار قانون تنها با افشاء و سرکوب ضدانقلاب ممکن است

ضدانقلاب با حمله به مراسم روز کارگر «فدائیان خلق»، نشان داد که با تمام نیرو می‌کوشد از استقرار قانون جلوگیری کند. برای خنثی کردن این توطئه باید قاضمانه ضدانقلاب را، زیر هر پوششی که هست، افشاء و سرکوب کرد و بر عکس فعالیت آزاد و قانونی نیروهای طرفدار انقلاب را تضمین نمود.

نشان می‌دهد که هدف واقعی ضدانقلابیون چه بوده و آنها در واقع با حمله به گردهمایی «فدائیان خلق» کدام هدف را نشانه گرفته بودند.  
سال ۱۳۶۰ از جانب رهبر انقلاب «سال قانون» اعلام شده است. این اعلام در واقع فرمانی است انقلابی برای خنثی کردن توطئه امپریالیسم، سرکردگی امریکا، که می‌کوشد با یاری جبهه متحد ضدانقلابی داخل کشور، سراسر ایران را به آشوب و درگیری بکشد و مطابق نقشه «هیگگ» زمینه را برای مداخله نظامی امریکا فراهم سازد.

بدنبال فرمان امام خمینی تلاش از دو سمت آغاز شد: از یکسو پیروان راستین خط امام در مقامات مسئول و اجرائی کوشیدند حاکمیت قانون را مستقر کنند، و از سوی دیگر ضدانقلابیون، با استفاده از سیاست و روش نیروهای اشتباه کار، با تمام نیرو مجتهد شدند، تا مانع استقرار قانون شوند. بهترین زمینه‌ساز فعالیت ضدانقلاب هم افراتیون راست و عناصر چپرو و چپ‌ها هستند که تحمل هیچ نیروی را غیر از خودشان ندارند و تنها چماق را در دستان دردهای جامعه ما می‌دانند. درگیریهای متعدد، که به بهانه‌های مختلف از اواسط فروردین آغاز شد و در روزهای چهارم تا ششم اردیبهشت ۶۰، به اوج خود رسید، نشان داد که متأسفانه ضدانقلاب همچنان میتواند موفقیت داشته باشد.

برای مقابله با این وضع، خوشبختانه مقامات مسئول کشور در این اواخر دست به اقدامات بقیه در صفحه ۴

ضدانقلاب سازمان یافته، در روز جهانی کارگر، با یک حمله کبسانته، گردهمایی «سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)» را به خون کشید. ضدانقلابیون بعد از انداختن سه‌راهی به میان جمعیت، که سبب کشته شدن چهار نفر و مجروح شدن عده زیادی شد، بیرحمانه به حاضران در میتینگ حمله و با ضربات چماق، کار، قمه، چاقو و زنجیر دهبها نفر را مجروح کرد.

ضدانقلاب سازمان یافته از ابتدای گردهمایی «فدائیان خلق» در میدان آزادی، حملات خود را آغاز کرد، اما هر بار پاسداران و ماموران شهربانی مانع درگیری شدند. عکس‌العمل متین و خونسرد «فدائیان خلق» هم سبب میشد که ضدانقلابیون بهانه بیشتری برای ایجاد درگیری پیدا نکنند. ساواکیها، «رنجبری»ها و «یکباری»ها، که سرکردگی گروه متشکل ضدانقلابی را بر عهده داشتند، با استفاده از روحیه انحصارطلبی و قسری گری حاکم در برخی نیروها، که حتی با اجتماعات قانونی هر نیروی دیگری مخالفت، در حالیکه برخی افراد ناآگاه در دام افتاده هم به آنان کمک می‌کردند، هنگامیکه سخنرانی فرخ تکه‌باده، عضو کمیته مرکزی «سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)» شروع شد، تهاجم گسترده خود را آغاز کردند. ضدانقلابیون که سازمان یافته عمل می‌کردند، در لحظاتی تملل برخی از مأموران حفظ انتظامات هم به آنها اجازه عمل بیشتری می‌داد، از چهار طرف به

## در اطلاعیه دادستانی انقلاب اسلامی مرکز

### صحت ترجمه اسناد لانه جاسوسی تأیید شد

مغرضین مخالف خط امام تأیید گردید. علیهذا روابط عمومی دادستانی انقلاب اسلامی مرکز ضمن تقدیر از زحمات برداران دانشجو موفقیت ایشان را در جبهه‌های حق آرزو می‌کند. (بنقل از کیهان، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۰)

«پیرو اطلاعیه قبلی به اطلاع عموم میرساند، بررسی اسناد لانه جاسوسی مربوط به عباس امیرانظام توسط دفتر ازموثقین دادگاه انقلاب انجام و صحت ترجمه برداران دانشجوی خط امام بخلاف یاره‌گویی‌های بعضی از

از برنامه حزب توده ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش همه‌جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران:

## در راه گسترش و ژرفی انقلاب و شکوفائی جمهوری اسلامی ایران

انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران اگر از حرکت به سوی تکامل و گسترش بازایستد، محکوم به فنا و بازگشت خواهد بود. به تبعیت از این قانون مسلم، وظیفه همه نیروهای راستین هوادار این انقلاب است که تمام توان خود را برای گسترش آن در همه جوانب زندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و دفاعی به کار اندازند و از هیچ تلاشی و از خودگذشتگی در این راه دریغ نوزند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بدون تردید بهترین میوه انقلاب شکوهمند مبین ماست - انقلابی که امام خمینی آن را محصول فداکاری و از خودگذشتگی بسی‌حساب کوشش‌های پابرنه‌ها و پابین - شهریها ارزیابی کرده است - با وجود برخی کمبودها و نارساییها، بخشی مهمی از خواست‌های مردم مبین ما بازتاب یافته است. رفع کمبودها و نارساییها و پیاده کردن سمت‌گیری‌های مردمی قانون اساسی می‌تواند راه را از یکسو بر بازگشت نظام غارتگر و استیلاجوی وابسته گذشته سد کند و از سوی دیگر برای پیشرفت به سوی شکوفائی نظام مردمی در کشور هموار سازد. بر پایه همین ارزیابی، حزب، با تکیه‌داری نظریات انتقادی خود، این قانون اساسی را مورد تأیید قرار داد و تمام نیروی خود را برای اجرای آن به کار انداخت.

حزب توده ایران حرکت جامعه را به سوی تأمین عدالت اجتماعی، برابری و شکوفائی در چهارچوب این قانون اساسی ممکن می‌داند و برنامه خود را برای این حرکت، یعنی گسترش انقلاب ایران عرضه می‌دارد و حاضر است برای تحقق بخشیدن به آن با همه نیروهای مردمی جامعه، صرف نظر از اختلاف در دیدگاههای فلسفی و اجتماعی، صادقانه همکاری کند.

## روز ۱۱ اردیبهشت: یکی از مناطق مهم در جبهه دزفول به تصرف رزمندگان انقلاب در آمد

در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی، رزمندگان انقلاب موفق شدند که یک منطقه حساس در جبهه دزفول را به تصرف در آورند. طبق اطلاعیه شماره ۴۸۹ بقیه در صفحه ۷

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### پیام فدراسیون سندیکائی جهانی بمناسبت اول ماه مه

درد گرم و صمیمانه ما به زحمتکشان و سندیکاهای جهان، بمناسبت اول ماه مه و برای همبستگی بین المللی. ما پیش از همیشه به وحدت و همبستگی نیازمندیم، زیرا زحمتکشان میتوانند در سایه وحدت مسائل اساسی بشریت را حل کنند. وحدت و همبستگی زحمتکشان جواب دندان شکن به بحران سرمایه داری است.

برای مبارزه علیه انحصارات چندملیتی باید همبستگی بین المللی داشته باشیم، تاجیکیت سندیکائی جهانی بتواند برای ایجاد نظم اقتصادی جدید بین المللی، قطع مسابقات تسلیحاتی، دفاع از حقوق بشر، صلح، آزادی و استقلال اقتصادی، ترقی و رفاه ملت ها و خلق هاد نقش خود را ایفا کند. ما از شهداء و از هزاران زن و مردی که در میدان نبرد طبقاتی از پای درآمده اند و موجب افتخار ما هستند، تجلیل میکنیم.

ما به برادران زندان شده بوسیله دشمنان طبقاتی، درد میفرستیم و با تمام قوا برای خلاصی آنان میکوشیم. ما مسببین مسابقه تسلیحاتی، یعنی امپریالیست ها و نواستعمار را افشاء میکنیم. آنها از طرفی میلیون ها انسان را در فقر و گرسنگی نگه میدارند و از طرف دیگر انحصارات و شرکت های چندملیتی و موسسات صنعتی - نظامی را ثروتمندتر میکنند.

ما مسببین جنگ سرد و دشمنان ترقی اجتماعی را افشا میکنیم و تلاشهای مستقیم و غیرمستقیم علیه کشورهای سوسیالیستی و کشورهای مترقی را برملا میکنیم. نژادپرستی و اختناق فاشیستی و هرگونه تجاوزات و مداخلات امپریالیستی را در امور داخلی ملت ها افشاء میکنیم. مسائل مربوط به دست زده صلح و خلع سلاح با هم پیوند دارند. برای حل آن، فعالیت مجموعه جنبش سندیکائی ضروری است.

با ایجاد روابط بین المللی دموکراتیک و روح همکاری متقابل، میتوان شرایط لازم برای تامین زندگی، شغل و حقوق مناسب فراهم ساخت. تحقق این همکاری بین المللی بفتح زحمتکشان جهان است و بهمین جهت باید وسیع ترین جبهه برای یک فعالیت سندیکائی متحد بوجود آید.

وحدت موثرترین وسیله ایست در نبرد علیه امپریالیست ها و همه دشمنان طبقاتی و همچنین برای تامین صلح جهانی و حفظ منافع زحمتکشان.

ما از زحمتکشان جهان درخواست میکنیم که همه توانشان را بکار برند، تا موانع موجود از سر راه اتحاد برداشته شود و بین سندیکاهای همکاری نزدیک بوجود آید. ما خود را برای بزرگترین گردهمایی سندیکائی جهانی، یعنی دهمین کنفرانس فدراسیون سندیکائی جهانی در هارانا (برای سال دیگر در کوبا - فوریه ۱۹۸۲) آماده میکنیم.

### اطلاعیه حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان به مناسبت گشته شدن یکی از مسئولین بسیج اهواز

به دنبال گشته شدن مسئول بسیج منطقه ۷ اهواز توسط عوامل ضدانقلاب در خوزستان، از طرف حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان، اطلاعیه ای منتشر شد، که متن آن شرح زیر است:

«هموطنان عزیز، مردم قهرمان خوزستان! جنایتی بر جنایت های تنگین ضدانقلاب افزوده شد: یکی دیگر از مبارزان فداکار راه انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی ایران، غلامحسین پژوهنده، مسئول بسیج منطقه ۷ اهواز و عضو فرماندهی سازمان بسیج مستضعفان خوزستان در خانه و بستر خویشی بقتل رسید.

زندگی نامه این شهید نشان میدهد که وی، در راه پاسداری از انقلاب همیشه جان برکف و همیشه در پی خنثی کردن توطئه های رنگارنگ ضدانقلاب بوده و در مبارزه با آن هیچگاه خستگی نمی شناخته است، و بدین سبب همیشه مورد کینه توزی و وحشیانه ضدانقلاب بوده و یک بار هم از توطئه آن ها جان سالم بدر برده بوده است.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان، ضمن ابراز نفرت شدید از این جنایت خفشان تبهکار، شهادت پاسدار ایثارگر انقلاب، غلامحسین

پژوهنده، را به همه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، اعضای بسیج مستضعفان و به کلیه افراد خانواده محترم شهید و تمامی مردم میهن انقلابیما صمیمانه تسلیت می گوید.

تردیدی نیست که این جنایت، در شرایط کنونی، حلقه ای از حلقه های پر شمار زنجیر توطئه هفتم امپریالیسم آمریکاست که مدتی است در بطن توطئه ششم آن، یعنی در جریان جنگ تحمیلی رژیم تبهکار صدام، به مرحله اجرا درآمده است.

حزب توده ایران، که در راه پاسداری از انقلاب شکوهمند مردم ایران جانفشانی کرده و یک قافله شهید داده است، به همراه تمامی مردم ما، یاد شهیدان را همیشه گرامی خواهد داشت. حزب ما همیشه چاووش اتحاد واقع بینانه و روشن بینانه نیروهای انقلابی راستین، همدارگر مداوم مردم و حاکمیت انقلابی در برابر دسائس امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، و خواستار جدی قلع و قمع کامل ضدانقلاب و حل بنیادی انقلابی مسائل میهن کشور خواهد ماند.

گرامی باد یاد شهید غلامحسین پژوهنده و سایر شهیدان انقلاب!

در این نبرد خونین و سرنوشت ساز، تاریخ رسالت عظیمی را به عهده حزب توده ایران واگذار کرده است. بی گمان در چنین دورانی، مصوبات پلنوم نقش بزرگی را در پیشبرد مبارزات آزادیبخش خلقهای ایران علیه امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا و راهیسی زحمتکشان از ستم سرمایه ایفا خواهد کرد.

ما توده ای ها وظیفه خود می دانیم که با الهام از مصوبات پلنوم در راه استقلال و آزادی میهن و حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب، همچون حزب خود، بیکار جو و خستگی ناپذیر باشیم. زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران! پیروز باد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران!

### پیام شادباش سازمان حزب توده ایران در قزوین به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رقنای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران سازمان حزب توده ایران در قزوین وظیفه انقلابی خود می داند که برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران را به شما و تمام اعضاء و هواداران حزب صمیمانه شادباش بگوید. رفقا! میهن انقلابیما ایران، حساس ترین و سرنوشت سازترین دوران خود را می گذرانند. دستاوردهای انقلاب شکوهمند بهمین

در روند تعمیق و گسترش یابنده خود، پیش از هر زمان دشمنی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و غارتگران داخلی را برانگیخته است. ولی خلقهای ستم دیده و به باخاسته میهن مان، عزم راسخ دارند تا محور آثار شوم وابستگی و برچیدن بساط غارت و چپاول جهان امپریالیستی و در راس آن امپریالیسم آمریکا از عرصه میهن، از پای نشینند.

برای تأمین کردن مردم از انقلاب است، تا زمینه روی کار آمدن یک دولت لیبرالی و ایجاد جنگ داخلی فراهم شود. به این توطئه شوم ضدانقلاب مائوئیست های آمریکائی و چپروها از یک سو و قشرون و انحصارطلبان از سنوی دیگر یاری می رسانند. بیبوهه نیست که ضدانقلاب زیر نام حزب الله، به مراسم حمله می کند، آدم می کشد و دست به اعمال فاشیستی می زند. این سکارپوئی است که امپریالیسم جهانی دقیقاً بر متن چپروی و چپنامی گروهکهای معین و انحصارطلبی و قشری گری راست تنظیم کرده است. کارشناسان خیره امپریالیسم تنها بر زمینه آماده کم چریکی و چپروی برخی از نیروها و قشری گری و انحصارطلبی جلیبی جناح های معینی است که توطئه خود را «گام به گام» گسترش می دهند. باید این توطئه را قاطعانه و هشیارانه خنثی کرد. استقرار قانون ضرورت حیاتی جامعه ما در شرایط حساس کنونی است. نیروهای پیرو خط

«معتول و میانرو» بدهد. علاوه بر این زرد خورد و درگیری بخودی خود هم ایجاد تشنج می کند و باز هم تلاش نیروهای پیرو خط امام برای استقرار قانون بی نتیجه می ماند.

بر اساس این محاسبات بود که ضدانقلاب فعالیت خود را از صبح روز جمعه آغاز کرد. ابتدا مائوئیست های آمریکائی «بیکار» و «توجیر» با کمک چپروهای «اقلیت» در چند نقطه آشوب پیا پیا کردند. سپس نوبت به حمله سازمان یافته ضدانقلاب در عصر همان روز به گردهمایی «فدائیان خلق» رسید. هرچند متانت «فدائیان خلق» مانع از گسترش درگیری شد، اما با کمال تأسف باید گفت که ضدانقلاب در اجرای نقشه خود تا حد معینی موفق شد.

از صبح روز بعد (شنبه) نیز تبلیغات دامنه دار در این زمینه آغاز شده است. ضدانقلاب می گوید تا بهر ترتیب شده این فکر را به میان مردم ببرد که هر چه و مرج بر کشور حاکم است و دولت قادر نیست امنیت را برقرار سازد. ضدانقلاب با تمام نیرو تبلیغ می کند که تنها قانون چاق بر جامعه حاکم است و جمهوری اسلامی قادر نیست قانون را مستقر کند. این توطئه شوم

### استقرار قانون...

پتیه از صفحه ۹ جدی زدن، ابتدا اعلامیه ۱۰ ماده ای دادستان کل انقلاب منتشر شد، که در آن شرایط فعالیت آزاد نیروهای طرفدار انقلاب تأمین و تضمین شده بود. سپس با نزدیک شدن روز جهانی کارگر، این تمایل درست در مسئولان کشور دیده شد که قانون را در عمل مستقر کنند. بر این اساس، آیت الله مهدوی کنی وزیر کشور و آیت الله دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور و همچنین دادستان کل انقلاب، از استقرار قانون پشتیبانی کردند و بر ضرورت آن تأکید ورزیدند. این سخنان خوشبختانه وقتی عملی شد که برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در دستور روز قرار گرفت. وزارت کشور به «شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی» اجازه راهپیمایی داد و «انجمن همبستگی سندیکائی» و شوراهای کارگران تهران و توابع و «سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)» نیز رسماً از وزارت کشور اجازه برگزاری میتینگ دریافت کردند. خب برگزاری میتینگ «فدائیان خلق» چند بار از رادیو و تلویزیون اعلام شد. ستاد امنیت تهران نیز

### نوید تغییرات مثبت در سیستم مالیاتی

معاون کل وزارت دارائی در يك مصاحبه، ضمن اعلام اینکه سیستم مالیاتی کشور دگرگون میشود، از جمله گفت: «در زمینه مالیات های مستقیم هم اکنون با توجه به فعالیت بازار اقداماتی تحت بررسی است، تا با توجه به نسبت درآمدهای طبقه، از آنان مالیات دریافت شود... از گسائیکه صاحب مشاغل آزاد هستند، در واقع باید مالیات بیشتری گرفته شود، بخاطر این که قیمت ها را افزایش می دهند.» (کیهان - ۷ اردیبهشت ۱۳۶۰) این سخنان برای مردم محروم ایران نویدبخش است. اظهارات آقای نوربخش نشان می دهد که دولت سرانجام به مسئله حیاتی مالیات های مستقیم، که نقش مهمی در تنظیم بودجه و اقتصاد کشور بسود افراد کم درآمد دارد، توجه جدی کرده است. امیدواریم که این سخنان هرچه زودتر عملی شود و با تبدیل سیستم مالیاتی کشور به يك سیستم عادلانه، گام بزرگی بسود مردم زحمتکش برداشته شود.

### شایعه پراکنی باندهای بزرگ قاچاق

شرکت دخانیات ایران، با انتشار اطلاعیه ای، وجود کافور در سیگار «آزادی» را بشدت تکذیب کرد. در این اطلاعیه آمده است: «باندهای بزرگ قاچاق و محتکران فرصت طلب آشکارا خواستار وابستگی هستند، اینان منافع خود و اربابانشان را در خطر می بینند و به بهانه های گوناگون شایع می کنند که در ساخت سیگارها کافور بکار می رود.» (میزان - ۸ اردیبهشت ۶۰) شرکت دخانیات با انتشار این اطلاعیه برای چندمین بار توطئه ضدانقلابی باندهای بزرگ قاچاق را رسوا می کند. این باندها، که مقادیر بسیار زیادی سیگارهای ساخت کشورهای امپریالیستی، بویژه آمریکا، را بطور قاچاق وارد ایران می کنند و به چند برابر قیمت می فروشند، از زمانیکه قرارداد تهیه سیگار «آزادی» با بلغارستان بسته شد، دست به کارشکنی زدند. آنها وسیعاً تبلیغ می کنند که سیگار «آزادی» کافور دارد، تا باین ترتیب مردم از مصرف این سیگار خودداری کنند. علاوه بر استفاده سیاسی - یعنی تبلیغ علیه صنایع کشور - های سوسیالیستی - هدف ضد انقلابیون از این تبلیغات این است که با خارج شدن سیگار «آزادی» از بازار و در نتیجه قلع درآمد ناشی از فروش آن، به دخانیات زیان بزنند و در عوض میلیون ها تومان نصیب باندهای قاچاق کنند، که بازار سیگار را در قبضه خواهند داشت.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود!

# افراد جهاد با قاطعیت در جبهه و پشت جبهه

## به فعالیتهای سازنده مشغول هستند



در اسلام آباد غرب نمایشگاهی از فعالیتهای جهاد سازندگی تشکیل شد

جهاد سازندگی از جمله نهادهای انقلابیست که افراد آن از بدو تاسیس، علیرغم کارشکنیها و اشکال تراشیهای دولت موقت و وزیر کشاورزی بزرگ مالک آن و دیگر بزرگان مالکان و عوامل وایادی آنان، در جهت پاسخگویی به خواستها و نیازهای فرهنگی، کشاورزی، عمرانی، فنی و درمانی روستائیان زحمتکش، رهسپار روستاها شدند و در حد توانایی منشاء خدمات ارزندهای گشتند. آنها در این راه از یاری سپاه پاسداران، نهاد انقلابی دیگری بهره فراوان بردند. افراد جهاد، این مبرهان خدمت به مردم و کوشندگان راه محرومان، با آغاز جنگ تحمیلی صدام به ایران انقلابی نیز، همراه با دیگر هم میهنان دلیر و رزمنده خود، به تلاشی عظیم بمنظور تقویت جبهه و پشت جبهه انقلاب پرداختند، که کارسزگ آنان همچنان با شورو فدکاری فراوان ادامه دارد.

در مطلب دیگری که در همین صفحه چاپ شده، نمونههایی از خدمات ارزنده جهاد را در جبهه، برای خدمت مستقیم به جنگ عادلانه میهن انقلابی ما علیه تجاوز صدام، می خوانید.

در گزارشهایی که از هر استان و شهرستان پیرامون فعالیت جهاد منتشر می یابد، نمونههای برجسته دیگری از ثمرات زرف کوشی ایثارگران را می توان یافت.

در ناحیه میروان، علیرغم مشکلاتی که ضد انقلاب ایجاد می کند، جهاد سازندگی با احداث حمام و پمپا دهر و فاضلاب و تعمیر مدارس و افسافه کردن تخت بیمارستان و ساختمان خانه و به کار انداختن موسسات و رساندن دارو و خواربار و غیره پرداخته است.

در اسلام آباد غرب نمایشگاهی از فعالیت های سه ماهه این نهاد انقلابی در بهمن ماه تشکیل شده که در آن عکس و پوستر و کارهای دستی و آثار فعالیت های جهاد اسلام آباد غرب به معرض نمایش گذاشته شده بود. آثارها بیانگر دو نکته مهم بود که گزارشگر نامه "مردم" بر آن تکیه می کند.

اول آنکه، نهادهای انقلابی، که خود محصول انقلابند، بیشترین سهم را در پیشرفت جامعه و تحکیم مبانی انقلاب دارند، و هر قدر نسبت به این نهادها، در جهت کارائی بیشتر و عمیقتر آنها، توجه شود، تشنه تعهد جدی تر و مسعولانهتری نسبت به انقلاب است. برعکس، بی توجهی نسبت به این نهادها، در جهت تضعیف یا انحلال آنها، مستقیماً ضربه ایست که بر انقلاب، و تعمیق آن وارد می شود.

دوم آنکه، نهادهای انقلابی، از جمله جهاد سازندگی، راه بسیار دراز و دشوار، ولی پرافتخاری را برای سازندگی روستاها همچنان در پیش دارند. نمایشگاه خود حاکی از آن بود که رژیم طاغوت چه فقر و فلاکت و عقب ماندگی باور نکردنی را برای روستائیان ما به ارث گذاشته است. اکثریت قریب به اتفاق دهقانان از حداقل معیشت و امکانات ابتدائی زندگی محرومند و اگر گاه صحبت از مسائل رفاهی در روستا می شود، این واژه "رفاه" بکلی قراردادی است و ابداعیات نگر نیازهای حداقل معیشت انسانی در روستاهای ایران نیست. مبارزه با این طاغوت زدگی و واپس ماندگی سینه شیری خواهد و نهاد انقلابی جهاد سازندگی نشان داده است

# جبهه متحد خلق

بقیه از صفحه ۶

بسرکردگی آمریکا، مستلزم تشکیل جبهه متحد خلق است. کجای این دعوی با سوسیالیسم و انقلاب ارتباط پیدا می کند؟ آیا چون پیروان سوسیالیسم علمی، پیرو سوسیالیسم علمی هستند، جمهوری اسلامی ایران باید در برابر جبهه متحد امپریالیسم و ارتجاع از پای در بیاید؟ آیا این ایراد جز بدین معناست؟

گذشته از این، ما معتقدیم که همکاری و اتحاد بین نیروهای انقلابی، صرف نظر از جهان بینی و ایدئولوژی، در مبارزه برای ساختمان سوسیالیسم هم پایه عینی دارد و امکان پذیر است. همانطور که قبلاً گفتیم، در کشورهای سوسیالیستی دهها سال است که کمونیستها و نیروهای انقلابی مذهبی، با حفظ جهان بینی و ایدئولوژی خود، در همکاری و اتحاد با یکدیگر، به ساختمان جامعه نوین فارغ از ستم و نابرابری و استثمار - یعنی سوسیالیسم مشغولند.

پس پیروان سوسیالیسم علمی حاضرند جبهه متحد خلق را برای ساختمان چنین جامعه ای - تا هر وقت که سایر نیروهای انقلابی آماده باشند - ادامه دهند.

و بالاخره می گویند که پیروان سوسیالیسم علمی خواستار دوستی و همکاری جمهوری اسلامی ایران با اردوگاه سوسیالیستی هستند، و این امر با شعار "نه شرقی نه غربی" منافات دارد.

ما معتقدیم که معنای واقعی شعار "نه شرقی نه غربی" تامین استقلال واقعی میهن انقلابی ماست. اردوگاه سوسیالیستی، جنبش کارگری و انقلابی در کشورهای سرمایه داری و جنبشهای رهایی بخش ملی در جهان سوم نیز صمیمانه و صادقانه خواستار استقلال واقعی جمهوری اسلامی ایران هستند، زیرا که ایران انقلابی و مستقل می تواند و باید یار و متحد آنان در پیکار سرنوشت ساز با جبهه امپریالیسم و ارتجاع جهانی بسرکردگی آمریکا باشد. دوستی ما با این نیروها به سود ما، به سود آنها و به سود مستضعفین و ستم دیدگان جهان است. یاری گرفتن ما از امکانات عظیم این نیروها نه تنها منافاتی با شعار "نه شرقی نه غربی" ندارد، بلکه به تحقق استقلال ما یاری می رساند. ما در این اعتقاد تنها نیستیم. از جمله در جهان اسلام، اکثریت عظیم مسلمانان انقلابی نیز بر این اعتقادند.

رهبران جبهه پایداری عرب، که نزدیکترین دوستان و پشتیبانان جمهوری اسلامی هستند نیز خود به تجربه شخصی به این اعتقاد رسیده اند. و خوشبختانه در میان مسلمانان انقلابی ایران کسی بر این عقیده نیست که این اعتقاد آنان، مانع از اتحاد و همکاری جمهوری اسلامی ایران با جبهه پایداری عرب است.

از همه اینها گذشته، پیروان سوسیالیسم علمی در ایران ادعا نکرده اند که دوستی جمهوری اسلامی ایران با نیروهای انقلابی جهان شرط تشکیل جبهه متحد خلق است. در برنامه پیشنهادی حزب توده ایران برای تشکیل جبهه متحد خلق هیچ اثری از این شرط نمی یابید. مسأله عاجل و مهم انقلاب آنست که نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هر چه زودتر متحد و متشکل شوند و جبهه متحد امپریالیسم و ضد انقلاب، به سرکردگی آمریکا را درهم بکوبند و استقلال و آزادی و پیشرفت میهن انقلابی ما را در کردار، و نه در گفتار، تحقق بخشند. ما آماده ایم با هر نیرویی که صمیمانه پشتیبان خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی و معتقد به شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ایران باشد، بی هیچ شرط و شروطی همکاری کنیم. ما شک نداریم که مسلمانان انقلابی پیرو خط امام و رهبران انقلابی راستین جمهوری اسلامی ایران خود در جریان کار و پیکار، راههای صحیح و عملی تامین استقلال واقعی میهن انقلابی ما را پیدا خواهند کرد. و در آن صورت در این زمینه نیز کمتر اختلاف نظری مابین ما و آنها باقی خواهد ماند.



مشکلات روز به روز بفرختر و انبوهتری که انقلاب ایران طی دو سال گذشته، در نتیجه سیاستهای نادرست و زیان بخش و ناپیگیر در امر تامین اتحاد همه نیروهای انقلابی با آن روبرو شده است، بهترین و معتبرترین گواه صحت نظریات حزب توده ایران مبنی بر ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق است. ما نه تنها بارها و بارها این سخن را تکرار کرده ایم، بلکه به قیمت تحمل تزییقات و فشارهای ظالمانه ای که اعضا و هواداران حزب توده ایران در زندگی و فعالیت روزمره با آن درگیر هستند، کوشیده ایم با صبر و گذشت انقلابی جوانه های وحدت عمل انقلابیون ایران را همچون مردمک چشم محفوظ بداریم و از این پس نیز پیگیرتر از گذشته، در این راستا پیش خواهیم رفت.

انقلاب تا به امروز به میمنت این حداقل اتحادی که در کردار مابین اکثریت نیروهای خلقی و ضدامپریالیست وجود داشته، توانسته است توطئه ها و دشواریهای بسیار را به بهایی سنگین از سر بگذراند. ولی چشم انداز آینده از توطئه ها و دشواریهای بیشتری خبر می دهد. ما نگران آنیم که وحدت عمل موجود برای مقابله با دشواریهای بیشتر آینده کفایت نکند. تاریخ مسئولیت تلفات و ضایعات سنگین تری را که در صورت عدم تشکیل جبهه متحد خلق در کمین انقلاب خواهد بود، از چشم انقلابیونی خواهد دید که عواقب شوم ستیز با واقعیت های جامعه و جهان ما را از او نیاموخته اند.

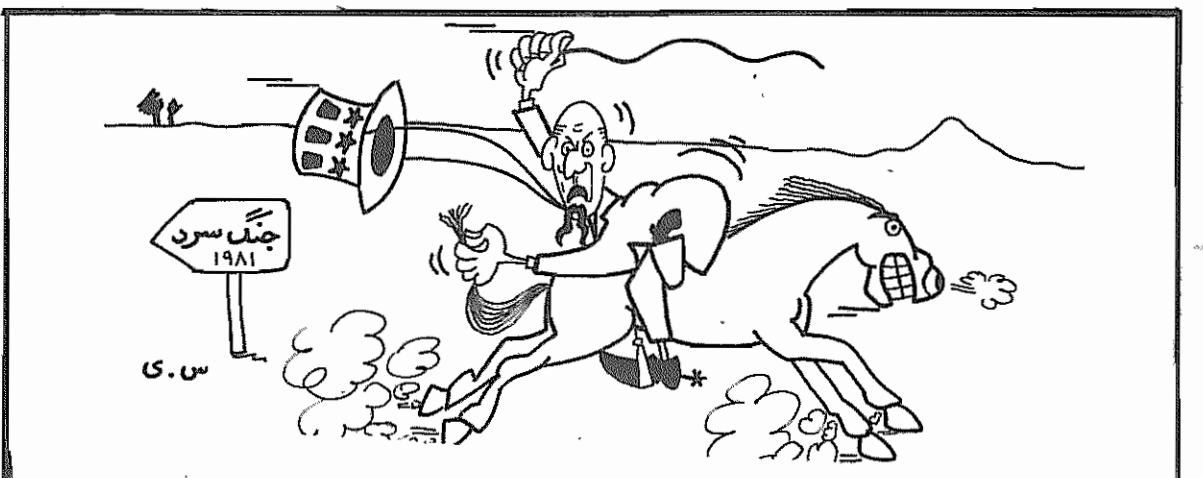
با اینهمه ما خوش بینیم. ما به خلق و به نیروهای انقلابی راستین باور داریم. ما باور داریم که، علیرغم همه دشواریها و بفرنجیها، همه اخلاصها و کارشکنیها و نفاق افکنیها، "عقل سیاسی" - به گفته امام خمینی - سرانجام پیروز خواهد شد، وحدت خلق و اتحاد همه نیروهای انقلابی، صرف نظر از جهان بینیها و ایدئولوژیها، عملی خواهد گشت، جبهه متحد خلق، که ضامن پیروزی قطعی و نهایی انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی ایران است، تشکیل خواهد شد و ایران مستقل و آزاد و آباد ما را به وجود خواهد آورد.

مدرسه و غسالخانه و مسجد و خانه و بل و منبع آب و موارد برق رسانی و لوله کشی و سد سازی و راه سازی و کانال کشی و حفرجاه و لایروبی قنات و بیاضها هزار ارقام مربوط به کیلو کود توزیع شده و هکتار کشت شده و کتاب توزیع شده و افراد واکسینه شده، بر شمرده می شود. کارهای ساختمانی و تولیدی و آموزشی و فرهنگی و بهداشتی و غیره بسیار متنوع اند و باعث سر بلندی این نهاد انقلابی و تمام جوانان پرشوری است که برای دوباره از ریشه روئیدن، از تمام هستی و توان خود مایه می گذارند. هم این آثار و گزارشها و ارقام، در سطح یک روستا، یا یک منطقه، یا تمام کشور، نشان می دهد که جهاد، این یاور بزرگ زحمتکش روستاها، از آغاز فعالیت های خود کارهای بزرگ و چشم گیری، در نهایت ایثار و مردم دوستی، در جهت خواست زحمتکشان و رشد اقتصاد کشاورزی ایران انجام داده است. بیپوده نیست که اکنون جهاد سازندگی در اکثر روستاها بعنوان یک نهاد انقلابی و کار ساز نام آشنائی برای دهقانان است و همه امیدوارند که کار و فعالیت آن نمونه و سرمشقی باشد برای تمام ادارات و دستگاه های دولتی، و همان نحوه و سیاق انقلابی و مردمی، که بر جهاد حاکم است، در همه جا حکم فرما شود.

جهاد سازندگی، در اغلب نقاط، به مسئله اساسی روستاهای ما، یعنی زمین، و لزوم واگذاری تمام زمین های بزرگ مالکی به دهقانان بی زمین و کم زمین توجه جدی کرده و به درستی برای این واقعیت توجه داشته است که، تا مسئله زمین حل نشود و حق بحق دارن ترسد و دست بزرگ مالکان برای ابد و از ریشه قطع نشود، جهاد نیز در کار سازندگی عظیم و تحول بخش خویش موفقیت لازم را بدست نخواهد آورد. این واقعیت از روی مطالب دیگری که در همین صفحه از قول جهادی خوانید، به روشنی دیده می شود.

هر انقلابی صدیق و آگاهی، در هر جا و به هر نحوی که بتواند، علیرغم همه موانع و مشکلات، تمام توان و استعداد خود را بدون هیچگونه چشمداشتی، در اختیار جهاد گذاشته و خواهد گذاشت و در جستجوی بهترین راههای همکاری و خدمت به طرح های جهاد سازندگی در زمینه های مختلف، بوده و خواهد بود.

این گونه فعالیتها البته منحصر به این یا آن منطقه نیست. آقای ناطق نوری، سرپرست جهاد سازندگی، طی یک سخنرانی در مجلس شورای اسلامی، آمار تاسیسات احداث شده و در دست اجرا و در حال تکمیل را در دهها مورد ارائه داشت. طبق این گزارش، نتیجه فعالیت جهاد سازندگی، با شمار هزار و هزارها واحدهای حمام و درمانگاه و



# برنامه حزب

# جبهه متحد استراتژی هم استراتژی

می توان آن را قانون اساسی انقلاب دموکراتیک در دوران های نوین دانست موضوع اصلی این کتاب نیز همان تاکتیک بنیادی مارکسیست ها در مبارزه سیاسی است. مارکس گفته بود: "نیروهایی که برضد نظام کهن، یعنی حکومت مطلقه، فئودالیسم و سرواژه به پامی خیزند، عبارتند از: (۱) بورژوازی لیبرال، (۲) خرده بورژوازی (رادیکال، ۳) پرولتاریا. اولی مبارزه اش از حدود سلطنت مشروطه تجاوز نمی کند، دومی برای نیل به استقرار جمهوری دموکراتیک مبارزه می کند و سومی در راه انقلاب سوسیالیستی." (۹)

لنین نشان می دهد که این تمایز عام، با وجود ویژگی های جامعه روسیه - از جمله این که در روسیه برجست ترین بخش خرده بورژوازی دموکراتیک را دهقانان تشکیل می دهند - در این کشور نیز مصداق دارد. تاکتیک بنیادی که لنین برای پرولتاریای روسیه تدوین می کند، چنین است:

تشکیل جبهه متحد خلق از کارگران و دهقانان و دیگر عناصر دموکراتیک شهر و روستا برای خنثی کردن تزلزلها و سازشکاری های بورژوازی لیبرال و مبارزه در راه استقرار جمهوری دموکراتیک. لنین برای اثبات صحت این تاکتیک ناگزیر بود با دونظر مخالف راست و چپ در این باره مبارزه کند. جناح راست سوسیال دموکراسی

## جبهه متحد خلق ضرورت حیاتی انقلاب و ضامن خلق و نیروهای راستین انقلابی، باور داریم که کارشکنی ها و نفاق افکنی ها، با حکم «عقل سیاسی»

روسیه (منشویکها) معتقد بود که دهقانان، عقب مانده، تنگ نظر، خرافه گرا و "ارتجاعی" هستند (۱۰) و از این رو کارگران نمی توانند و نمی بایست با آنها متحد شوند. این حکم که منشویکها و سوسیال دموکراسی راست اروپایی در آن اشتراک نظر داشتند، در اساس نظریه های راست گرایانه است که با محروم کردن کارگران از نزدیک ترین متحدان خود و ایجاد نفاق در جبهه متحد خلق، به تسلط بورژوازی لیبرال یاری می رساند. جالب آنست که تمامی نظریات راست گرایانه در مورد عناصر تشکیل دهنده جبهه متحد خلق در طول تاریخ، به این یا آن شکل، به این نظریه منشویکی شباهت پیدا می کنند. برای نمونه، در جنبش انقلابی امروزی ایران، نظریات داغ "مجاهدین خلق" در این زمینه گویی کبیله "اسلامی نظریه" منشویکهاست. "مجاهدین خلق" نیز با تکیه و تاکید بر عقب ماندگی ها تنگ نظری ها و خصوصیات ارتجاعی اصطلاح "خرده بورژوازی سنتی" یا مشابهت های غلیظ فئودالی، "در واقع برای زمینه سازی سلطه و هژمونی بورژوازی لیبرال "کلاه شرعی" می سازند.

ترفند روزگار آن است که "مجاهدین خلق" نه تنها خود مدعی آنند که جبهه متحد خلق را در میهن ما باید بر اساس این نظریه شبه منشویکی سازمان داد - و همگان شاهدند که از این راه در عمل به چه نتایج اسفباری رسیده اند - بلکه می گویند آن را به عنوان "مارکسیسم انقلابی" حتی به مارکسیست های ایران نیز تحمیل کنند!

لنین در پاسخ به این نظریات استدلال می کرد که جنبش دموکراتیک دهقانی، علیرغم تنگ نظری ها و خرافه گرایی ها، از لحاظ عینی و تاریخی جنبشی مترقی و انقلابی است، که می تواند و باید سهم مهمی در تحولات دموکراتیک انقلابی جامعه ایفا کند، چیزی که هست:

"هم منطق و هم تاریخ به ما می آموزند که دیدگاه طبقاتی خسردمد بورژوازی ممکن است کم و بیش محدود و یاکم و بیش مترقی باشد، و علت آن هم دوجنگی وضع خرده بورژواست. وظیفه ما هم به هیچ وجه نمی تواند این باشد که در مورد محدودیت... یا تسلط پندارهای خرافی بر او، دست روی دست بگذاریم، بلکه برعکس باید نقطه نظر او را به طور خستگی ناپذیری وسعت دهیم و به او کمک کنیم تا با ادراک خویش بر پندارهای خرافی غلبه کند." (۱۱)

تروتسکیستها معتقد بودند که خرده بورژوازی صلاحیت و توانایی حاکمیت برجسته انقلابی را ندارد و تنها در صورت پذیرش سرکردگی و حاکمیت پرولتاریا می تواند متحد کارگران باشد. در حوالی انقلاب ۱۹۰۴ آن ها شعاری دادند: "مرگ برترار، زنده باد حکومت کارگری". همه پیروان "جمهوری دموکراتیک خلق" در شرایط کنونی جنبش انقلابی ایران - گو این که در گرفتار برای لنین سینه چاک می کنند - در کردار پیرو این نظریه تروتسکیستی و ضد لنینی هستند، که در نفی خلصت و توانمندی

از همان سنگری به ماشلیک می کنند که ضد انقلاب، به یاری لیبرالها و مائوئیست های آمریکایی، رویاروی جبهه انقلاب بنا کرده است. لذا به نظر می رسد که لازم است یکبار دیگر نظریات اصولی و اصول نظریات حزب توده ایران درباره ضرورتها و امکانات تشکیل جبهه متحد خلق و دورنمای تاریخی همکاری نیروهای خلقی در راه ساختمان جامعه نوین را مرور کنیم. ما از تکرار این نظریات خسته نمی شویم. تاریخ رسالت تأمین اتحاد نیروهای خلق را، پیش از همه، به عهده پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگر گذاشته است، و ما از تلاش در راه انجام وظیفه انقلابی خویش روی بر نمی گردانیم.

## جبهه متحد خلق؛ تاکتیک بنیادی پیروان راستین سوسیالیسم علمی

نگاهی به آثار کلاسیک و اسناد معتبر مارکسیستی درباره استراتژی و تاکتیک مبارزه سیاسی پرولتاریا نشان می دهد که اندیشه تشکیل جبهه متحد خلق، به مثابه تاکتیک بنیادی و محوری مبارزه انقلابی کارگران و خلق های تحت ستم، همچون خط سرخی در تمام این آثار، از مانیفست تا آخرین مصوبات نشست های احزاب برادر، امتداد یافته است.

"مانیفست حزب کمونیست"، اثر جاویدان و تاریخ ساز مارکس و انگلس، نخستین نوشته جامعی است که در آن، علاوه بر جهان بینی و ایدئولوژی، کلیات استراتژی و تاکتیک پرولتاریا نیز توضیح داده شده است. آخرین فصل این کتاب به "موضع گیری کمونیست ها در قبال احزاب گوناگون اپوزیسیون" اختصاص دارد. انگلس، که در بخش های پیشین کتاب مواضع کمونیست ها را در برابر سرمایه داری و در برابر دیگر احزاب کارگری روشن کرده اند، در این فصل رابطه آن ها را با دیگر نیروهای انقلابی جامعه توضیح می دهند. در همین فصل است که آن ها رهنمودی جامع الاطراف را عرضه می کنند که بعدها لنین آن را "حکم بنیادی مارکسیسم درباره تاکتیک مبارزه سیاسی" (۳) می نامد. این رهنمود از این قرار است:

### توطئه ها و دشواری های بیشتری در راه است. مانگران آنیم که وحدت عمل حداقل موجود بر او مقابله با دشواری های بیشتر آینده کفایت نکند.

"کمونیست ها در راه هدفها و منافع فوری طبقه کارگر مبارزه می کنند ولی همزمان با آن، در جنبش امروزی، از فردای جنبش نیز دفاع می کنند." (۴)

مارکس و انگلس در تشریح این رهنمود، پشتیبانی کمونیست ها را از نیروهای انقلابی در کشورهای مختلف اروپای آن روز برمی شمارند و به این نتیجه می رسند که:

"خلاصه آن که کمونیست ها همه جا از هر جنبش انقلابی که ضد نظام اجتماعی و سیاسی موجود باشد، پشتیبانی می کنند" و "... همه جا برای برقراری اتحاد و توافق میان احزاب دمکرات همه کشورها جهند می ورزند." (۵)

در عین حال مارکس و انگلس یاد آور می شوند که: "کمونیست ها پنهان نگاهداشتن نظریات و نیت خویش را ننگ می دانند" (۶) و، در عین پشتیبانی از دیگر نیروهای انقلابی، "از حق خود برای انتقاد" (۷) نیز صرف نظر نمی کنند.

به این ترتیب مارکس و انگلس نشان می دهند که سیاست کمونیست ها در برابر دیگر نیروهای انقلابی دوجنبه دارد: اتحاد و انتقاد. و پیام مانیفست در زمینه استراتژی و تاکتیک به این صورت درمی آید: مبارزه با سرمایه داری و "اتحاد و انتقاد" با دیگر نیروهای انقلابی.

سیاست "اتحاد و انتقاد" یا "اتحاد و مبارزه"، شکل مشخص دفاع از فردای جنبش در درون جنبش امروز است. کمونیست ها با اتخاذ این سیاست همواره در صف نخست جنبش انقلابی واقعا موجود حضور می یابند، در راه اتحاد همه نیروهای خلقی و انقلابی و گردآوری همه نیروهای واقعا موجود در مبارزه علیه دشمن مشترک - سرمایه داری - می زنند، با روشنگری سیاسی و توضیح مواضع و منافع طبقاتی هر یک از این نیروها، مانع از انحراف و یا توقف زودرس انقلاب می شوند و تداوم و تعمیق انقلاب در راه تأمین منافع زحمتکشان را پاسداری می کنند. سیاست "اتحاد و مبارزه" سیاست تشکیل جبهه متحد خلق است، سیاستی است که بنیانگذاران جنبش کمونیستی آن را تدوین کرده اند.

مارکس و انگلس در انقلاب ۴۹-۱۸۴۸ آلمان، که در آن به طور مستقیم و فعال شرکت داشتند، همین سیاست را در برخورد با دیگر انقلابیون آلمان به کار گرفتند. روزنامه "راین نو" به سردبیری مارکس، کوشش عمده خود را مصروف افشای تزلزل سازشکاری بورژوازی لیبرال آلمان در مبارزه با استبداد سلطنتی، تشویق و ترغیب دموکرات های آلمان در اتخاذ نقش سلطه و غالب در مبارزه با فئودالیسم و ارتقای دانش طبقاتی و سیاسی آنان می کرد. انگلس در این باره از مبارزه "مشترک" کمونیست های آلمان با "طبقه کاسبکاران خرده پان"، "پایه عبارت صحیح تر به اصطلاح حزب دموکرات" یاد می کند. (۸)

دومین نوشته جامعی که در آن استراتژی و تاکتیک انقلابی کمونیست ها مورد بررسی قرار گرفته است، اثر تاریخ ساز لنین به نام "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" است. اهمیت این کتاب در گسترش و تکامل آموزش مارکسیستی انقلاب دموکراتیک تا بدانجاست که

- ۳. لنین: "کارل مارکس، زندگی نامه: سیاسی"، ترجمه ف. م. جوانشیر، ص ۵۰
- ۴. مارکس و انگلس: "مانیفست حزب کمونیست"، ترجمه جدید از محمد پورهرمان، ص ۹۷
- ۵. همان جا، ص ۹۷
- ۶. همان جا، ص ۹۷
- ۷. همان جا، ص ۹۹
- ۸. انگلس: "انقلاب و ضد انقلاب در آلمان"، کلیات مارکس و انگلس (به انگلیسی)، جلد ۱۱، صفحات ۳۷-۳۸

در نخستین روزهای پس از پیروزی قیام بهمن، شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران اعلام کرد: "وظیفه مبرم حزب ما، در زمینه فعالیت سیاسی، در مرحله ای که بلافاصله در برابر ما قرار گرفته، عبارت است از کوشش در ایجاد جبهه متحد خلق..." (۱)

در برنامه جبهه متحد خلق - پیشنهادی پلنوم شانزدهم، در توضیح این نکته آمده است: "انقلاب ایران راهی بس دشوار و سرشار از انواع مخاطرات، توطئه ها و دسیسه های دشمن در پیش دارد. تاریخ انقلاب به ما می آموزد که پیروزی انقلاب به مراتب آسان تر از رساندن انقلاب به فرجام آنست. تجربه انقلاب های بزرگ اجتماعی به ما نشان می دهد که دشمن شکست خورده در دوران پس از انقلاب سرسختی و مقاومتش ده چندان می شود. تنها با وحدت عمل و اتحاد کلیه نیروهای ملی و مترقی، فداکاری و قاطعیت انقلابی در گزینش برنامه های سیاسی و اجتماعی است که می توان برای دشواری ها پیروز شد و دسیسه ها و توطئه های مخوف اشراذشمن را عقیم گذاشت. حزب توده ایران برای تشکیل جبهه متحد خلق تمام نیرو و امکانات خود را به کار خواهد برد." (۲)

بیش از دو سال از آن روزهای طغیان و غلیان می گذرد. این رهنمود، که طی این مدت روح فعالیت همه جانبه حزب توده ایران در جهت تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بوده است، در آن نخستین روزها، به نظریه ساری از انقلابیون ایران، غریب، تخیلی و غیر قابل طرح می آمد. بفرنجی مثال زدنی بهم آمیختگی نیروهای انقلابی و سازشکار و ضد انقلابی، بافشاری بخشی از نیروهای انقلابی در ترسیم مرزهای مصنوعی مذهبی و غیر مذهبی، مسلمان و غیر مسلمان، به جای مرزهای واقعی انقلابی و ضد انقلابی مابین نیروهای خلق و ضد خلق، شکاف در میان نیروهای جبهه متحد خلق، که در برخورد با این یا آن مساله گرهی، بخاطر نازل بودن سطح آگاهی و تجربه گردان های مختلف جنبش انقلابی، به سرعت به دره ای ژرف مبدل می شد - همه این ها به ظاهر نظر شکاکان را تأیید می کرد. اما در سخت ترین روزهای پراکندگی و تشتت، ما شک نداشتیم که دیر یا زود فشار واقعیت، نخستین نشانه های ضرورت و امکان تحقق شعار اصولی حزب

ما - زنده باد جبهه متحد خلق - را آشکار خواهد کرد و صادق ترین نیروهای انقلاب، آگاهانه یا از روی غریزه انقلابی، با میل یا به جبر، و اگر نه در گرفتار، حداقل در کردار، به سوی این رهنمود ظفر نمون گرایش نشان خواهند داد. یقین ما، حاصل شناخت علمی ما، تجربه چهل ساله حزب ما، تجربه هفتاد و پنج ساله جنبش انقلابی ایران از مشروطیت تا کنون و تجربه صد و سی ساله سوسیالیسم جهانی از روز انتشار "مانیفست حزب کمونیست" تا به امروز بود.

امروز، روند تجع نیروها حول رهنمود تشکیل جبهه متحد خلق، علیرغم همه پدیده های منفی، شتابی اندک، اما امیدوار کننده گرفته است. نطفه های وحدت عمل نیروهای جبهه متحد خلق، بویژه هواداران راستین سوسیالیسم علمی و مسلمانان انقلابی پیرو امام خمینی، قوام می گیرند و علیرغم فشار ضد انقلاب، لیبرالها، مائوئیست های آمریکایی و قشربون انحصار طلب، می یابند. هنوز سخن گفتن از تبدیل این نطفه ها به نهال هایی که در برابر تندباد چرخش های تحمیلی توان مقاومت داشته باشند، بسیار زود است. اما آنچه که پیش چشم ما می گذرد، بویژه امید بخشی است که با پیگیری و حوصله و مراقبت انقلابی، که ما آن را در خود سراغ داریم و از دیگر گردان های انقلاب نیز بعید نمی دانیم، می تواند و باید به تشکیل جبهه متحد خلق، به عنوان یگانه ضامن پیروزی بی بازگشت انقلاب شکوهمند مردم ایران بر امپریالیسم و ارتجاع، فرابریود.

علیرغم کوشش توانفرسایی که حزب ما در راه نزدیکی و اتحاد نیروهای خلق صرف کرده است و سهم عظیمی که در راه وحدت عمل کنونی نیروهای خلق داشته است، هنوز حتی در میان برخی از دوستان حزب توده ایران نیز نظرها درباره ضرورت و امکان تشکیل جبهه متحد خلق، نگرش اصولی حزب ما به این مساله سرنوشت ساز و دورنمای تاریخی همکاری نیروهای خلقی در راه ساختمان جامعه نوین، به درستی و در تمام ابعادش درک نشده است. هنوز حتی در میان دوستان ما هستند کسانی که سیاست اصولی حزب ما را در این باره به نوعی تاکتیک موقتی و، در معنای عامیانه اش، نوعی "پولیتیک" زیرکانه تعبیری می کنند. از سوی دیگر ضد انقلاب و لیبرالها، مائوئیست های آمریکایی نیز، یا سوء استفاده از این ناآگاهی، با تمامی امکانات گسترده تبلیغاتی که در اختیار دارند، به تحریف نظریات حزب ما در این باره می پردازند و بر سر "خطر" که گویا حزب توده ایران با اتخاذ این تاکتیک و با "القاء ایدئولوژی" به مسلمانان انقلابی پیرو امام خمینی، متوجه انقلاب کرده است، جنجال بیافزینند. دلیل آن هم روشن است: آنان نیک می دانند که در صورت قوام گرفتن وحدت عمل نیروهای جبهه متحد خلق راه بازگشتی برایشان باقی نخواهد ماند. از این رو از جان مایه می گذارند، تا با ایجاد سوطن نسبت به سیاست انقلابی سازنده و مثبت حزب ما، که بنا بر ماهیت کارگری و انقلابی خویش، سهم اساسی را در گسترش و تعمیق تفاهم میان نیروهای خلق به عهده گرفته است، در این راه سنگ بیندازند. متأسفانه در ماه های اخیر "مجاهدین خلق" نیز، هم از سر ناآگاهی و درهم اندیشی و هم به منظور شانه خالی کردن از بازخواست انقلابی حزب توده ایران درباره سیاست فرصت طلبانه ای که در پیش گرفته اند - به این آرکستر ناساز پیوسته اند. آنان با طرح این پرسش به شیوه ای آشکارا تحریک آمیز که: "آیا شما که مدعی هستید صادقانه در خط امام" هستید... قول می دهید که پس از ایشان نیز همچنان در "خط امام" بمانید و زیر حرف های امروزتان ننزیدید؟!"

در همان بوقی دیده اند که تاکنون ضد انقلاب و لیبرالها و مائوئیست های آمریکایی، با مقاصد معین و شوم، در آن گلودر انده اند و

۱. نامه "مردم"، شماره ۱، ص ۶  
۲. نامه "مردم"، شماره ۲، ص ۲

۹. لنین: مجموعه آثار یک جلدی، ص ۲۶۹  
۱۰ و ۱۱. لنین: "یک گام به پیش دو گام به پس"، ص ۱۶۲

# ارایا موزیم

# دخلاق: اناکتیک؟ هم تاکتیک

انقلابی خرد بورژوازی بانظریه راست‌گرایانه منشویکی هسته مشترک دارد. لنین در پاسخ این نظریات می‌گفت: "پرولتاریای روسیه اکنون اقلیت مردم روسیه را تشکیل می‌دهد. این پرولتاریا فقط در صورت اتحاد با انبوه نیمه‌پرولترها و نیمه‌چیزدارها، یعنی با انبوه‌تهی‌دستان خرد بورژوازی شهر و ده می‌تواند به اکثریت عظیم وقاطع بدل گردد. وجود چنین ترکیبی درپایه اجتماعی... در ترکیب دولت انقلابی تأثیرمی‌بخشد و شرکت و یا حتی تفوق بیانگران بسیار ناهمگون دموکراسی انقلابی را در این دولت ناگزیرمی‌سازد." (۱۲)

به این ترتیب لنین، با پذیرش امکان "تفوق بیانگران ناهمگون دموکراسی انقلابی" در دولت انقلابی برآمده از متن قیام، شرط‌گذاری‌ها و محدودیت‌های مصنوعی و بی‌ارتباط با تناسب عینی نیروها را برای همکاری کمونیست‌ها و دموکرات‌ها در جبهه متحد خلق، از پیش رد می‌کرد و از نظر تئوریک، وسیع‌ترین امکانات را برای تشکیل جبهه متحد خلق فراهم می‌آورد.

در آثاری که لنین، پس از کشف قانونمندی‌های امپریالیسم، بمثابة آخرین مرحله سرمایه‌داری، نوشته است، این اندیشه بنیادی بسط یافته و بر شرایط بفرنج دوران نوین تاریخی انطباق داده شده‌اند. بویژه آنچه که در فاصله دو انقلاب فوریه و اکتبر ۱۹۱۷ نوشته شده است، بیانگر

پیروزی قطعی و نهایی آن است. ما با اعتقاد به این جبهه، علیرغم همه دشواریها، پرنجی‌ها، سر انجام تشکیل خواهد شد.

جستجوی پیگیر و دائمی لنین برای یافتن راه‌ها و اشکال تازه‌ای است که، با تأمین اتحاد پیکارجویانه نیروهای خلق، بویژه بفرنج و دردناک‌ترین و تحول کیفی انقلاب را آسان‌تر کند. کوشش پیگیر بلشویک‌ها، به رهبری لنین، برای اتحاد نیروهای خلقی در درون شوراهای کارگران و دهقانان برای دستیابی به نظامی که "هنوز سوسیالیسم نیست، اما دیگر سرمایه‌داری هم نیست" (۱۳) و تأکید بر امکان هر اندازه محدود، اما ارزشمند گذار مسالمت‌آمیز، به انقلاب سوسیالیستی از این طریق، نمونه درخشان تکاپوی خلاق اندیشه لنین در این راستاست. استدلال اصلی لنین در پیش‌بینی امکان تحول مسالمت‌آمیز انقلاب این بود که، در صورت اتحاد بلشویک‌ها با دموکرات‌های انقلابی در شوراهای کارگران و دهقانان، این نهادها بدل به آنچنان قدرتی خواهند شد که بورژوازی یاری مقاومت در برابر آن را در خود نخواهد دید. اتحاد خلق ضامن اصلی پیروزی اوست. بویژه که اتحاد پرولتاریا با اکثریت عظیم و قاطع زحمتکشان خردده‌ها می‌تواند و باید حتی در جریان ساختمان سوسیالیسم نیز دوام بیاورد. فرمول‌بندی صریح لنین درباره چگونگی اتحاد خلق، در مراحل گوناگون گذار از انقلاب دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی، تجسم این واقعیت است که سوسیالیسم هیچ گونه تضادی با منافع واقعی و عینی اکثریت عظیم و قاطع خلق ندارد.

"چپ روی، بیماری کودکی کمونیسم" اثر دیگری است که در آن نظریات لنین درباره تاکتیک بنیادی مبارزه سیاسی کمونیست‌ها به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. در این اثر پرمایه، که نقش خاصی در گسترش و تکامل استراتژی و تاکتیک مارکسیست‌ها در دوران نوین داشت، بخش مهمی از کتاب به توضیح ضرورت اتحاد و وحدت عمل کمونیست‌ها با دیگر نیروهای خلقی در کشورهای اروپایی اختصاص دارد. لنین با قاطعیت سازنده خاص خویش، دیدگاه‌های متحجر و فرقه‌گرایانه کمونیست‌های چپ‌رو اروپایی را درهم می‌کوبد و به جای آن "اصولیت نظری و انعطاف عملی" بلشویکی را در راه تأمین اتحاد خلق توصیه می‌کند.

پس از لنین، جریان ادراک، گسترش و پرداخت اندیشه "جبهه متحد خلق"، بمثابة تاکتیک بنیادی مبارزه سیاسی پیروان سوسیالیسم علمی مراحل مختلفی را از سر گذرانده است. در این میان رهنمودهای کنگره هفتم کمینترن (۱۹۳۵) را بی‌گمان باید نقطه عطف دانست. کنگره هفتم کمینترن با آموزش از تجربه عینی کمونیست‌های فرانسه در تشکیل جبهه واحد ضد فاشیستی و گسترش و تعمیم این آموزش در برتو رهنمودهای مارکسیست - لنینیستی، به فرمول‌بندی صریح و دقیقی درباره چگونگی تشکیل جبهه واحد خلق در مبارزه با فاشیسم، دولت ائتلافی

نماینده این جبهه و جبهه واحد ضد امپریالیستی در کشورهای استعمارزده دست‌یافت (۱۴). این فرمول‌بندی‌ها نقطه شروعی برای گسترش و پرداخت بعدی استراتژی و تاکتیک مارکسیست‌ها شد. امروز در کشورهای امپریالیستی، کمونیست‌ها، به اتکای اندیشه مارکس و انگلس و لنین، در راه تأمین وحدت پیکارجویانه خلق علیه انحصارهای بزرگ امپریالیستی و دولت‌های کارگزار آن‌ها می‌رزمنند. در کشورهای استعمارزده نیز پیگیری نظریات مارکس و انگلس و لنین و رهنمودهای کنگره هفتم کمینترن به تدوین نظریه راه رشد غیر سرمایه‌داری (سمت‌گیری سوسیالیستی) انجامیده است. بر اساس این نظریه، امروز در شرایط سومین مرحله بحران عمومی امپریالیسم، در دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، تحت تأثیر تغییر تناسب قوا مابین نیروهای سوسیالیسم و امپریالیسم در سطح جهانی:

۱- دموکراسی انقلابی در نظر و عمل تا آن حد ارتقاء یافته است که بهترین نمایندگان آن می‌توانند، با یاری گرفتن از امکانات نوینی که در سطح جهانی بوجود آمده است، انقلاب دموکراتیک ملی را، با اجتناب از راه رشد سرمایه‌داری، رهبری کنند.

۲- کمونیست‌ها در کشورهای استعمارزده وظیفه دارند که با تمام قوا در راه پیروزی انقلاب دموکراتیک ملی به نمایندگان دموکراسی انقلابی یاری رسانند.

۳- در کشورهای مختلف، به تناسب شرایط ویژه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، راه‌ها و اشکال ویژه‌ای از رشد و تکامل جنبش ضد-امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری بوجود می‌آید. کمونیست‌ها وظیفه دارند که این شرایط و اشکال ویژه را بشناسند و فعالیت خود را با قانونمندی تکامل این اشکال انطباق دهند.

این اصول امروز پایه نظری فعالیت پیروان راستین سوسیالیسم علمی را در جنبش‌های رهایی بخش ضد استعمار و نواستعمار تشکیل می‌دهد. بر اساس این نظریات است که کمونیست‌های سوریه مسئولیت شرکت در دولت ضد امپریالیست و ضد صهیونیست را به عهده می‌گیرند، توده‌های در ایران دوشادوش مسلمانان انقلابی پیرو خط امام خمینی در راه دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی به رهبری امام خمینی جانبازی می‌کنند و پیشاهنگان سوسیالیسم در الجزایر، علیرغم تضییقات غیر دموکراتیکی که

حکومت برایشان ایجاد کرده است، از پشتیبانی بی‌تزلزل از جنبه‌های ضد امپریالیستی سیاست رهبری کشور دست بر نمی‌دارند.

کسانی که مشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران را در دفاع از انقلاب و پشتیبانی از رهبری امام خمینی و کوشش در راه اتحاد همه نیروهای انقلابی، به "پولیتیک" تعبیر و مارا به "ریکاری" متهم می‌کنند اگر ریگی در کفش ندارند، باید توجه داشته باشند که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های پیروان راستین سوسیالیسم علمی، در طول تاریخ و در سراسر جهان، "وحدت نظر و عمل" آن‌هاست. سوسیالیسم در نظر، در تئوری هیچ تضادی با منافع واقعی و وسیع‌ترین افشار خلق ندارد. سوسیالیسم در عمل، دموکراتیک نیز نمی‌تواند و نباید با تکامل جنبش انقلابی تمام خلقی تناقض داشته باشد. در واقع اگر حزب توده ایران سبستی جز هنگامی خلاق و سازنده با جنبش انقلابی تمام خلقی در پیش می‌گرفت، "ریکار" و "منافق" می‌بود و در عمل به راهی می‌رفت که بانظریه باطنی‌اش متفاوت می‌بود.

## جبهه متحد خلق: هم استراتژی، هم تاکتیک

از آن‌چه گذشت، روشن می‌شود که، از نظر تئوریک، کوشش مارکسیست-لنینیست‌ها برای تشکیل جبهه متحد خلق، تاکتیکی است که ابعاد استراتژیک دارد و به این‌ها آن مرحله گذار تکامل جنبش محدود نمی‌شود. پیروان راستین سوسیالیسم علمی در تمامی مراحل رشد و تعمیق انقلاب، از انقلاب دموکراتیک ضد امپریالیستی تا انقلاب سوسیالیستی سنادی اتحاد نیروهای انقلابی و خلقی، پیرامون برنامه مشترک سیاسی و اجتماعی هستند، که منافع اکثریت عظیم و قاطع خلق را تأمین می‌کند.

البته در جریان رشد و تعمیق انقلاب، ترکیب، کمیت و کیفیت جبهه متحد خلق خواه ناخواه تغییر خواهد کرد. برخی نیروها در میانه راه از آن خواهند برید و برخی دیگر بدان خواهند پیوست. اما این امری نیست که به خواست و اراده مارکسیست‌ها و تصمیم‌گیری منسوجی آن‌ها بستگی داشته باشد. این منطق تکامل و زرفش انقلاب است. پیروان راستین سوسیالیسم علمی پیشاپیش هیچ نیرویی را از شرکت در این اتحاد محروم نمی‌کنند. برعکس، این نیروهای سیاسی وابسته به طبقات استثمارگر هستند که در این یا آن مرحله از زرفش انقلاب، از وفاداری به آرمان‌های خلق سرب‌پچند و در برابر جبهه متحد خلق قد علم می‌کنند. نمونه سربچی لیبرال‌های ایران از وفاداری به هدف‌های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب، خود شاهدهی عینی است که خلق ما آن را تجربه و لمس کرده است.

آن‌ان که سیاست اصولی و انقلابی حزب توده ایران را بدون پیشداوری دنبال می‌کنند، به یاد دارند که ما در سرفاز انقلاب به‌درستی این سربچی را پیش‌بینی کردیم و آن را با خلق در میان گذاشتیم. اما در بدو امر هرگز نگفتیم و نخواستیم که این یا آن عنصر و یا سازمان لیبرالی را باید پیشاپیش از شرکت در جبهه متحد خلق محروم کرد. فقط آن‌گاه که فلان یا بهمان جریان لیبرالی در عمل نشان داد که دیگر به آرمان‌های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ایران وفادار نیست، بلکه آشکارا قصد آن دارد که انقلاب را به‌سازش با امپریالیسم و ارتجاع بکشد، یک لحظه نیز در افشای آن و کوشش برای منفرد کردن آن از جبهه انقلاب درنگ نکردیم. پیروان راستین سوسیالیسم علمی هیچ شرطی را از پیش برای شرکت در جبهه متحد خلق تعیین نمی‌کنند، مگر وفاداری به برنامه انقلاب و به آرمان‌های خلق. از نظر ما حتی پذیرش حاکمیت این یا آن نیرو، انقلابی

شرکت‌کننده در جبهه متحد خلق را نمی‌توان از پیش شرط شرکت در جبهه متحد خلق قرار داد. انقلاب خود رهبر خویش را برمی‌گزیند.

البته در جریان رشد و گسترش انقلاب ممکن است حالتی پیش بیاید که در آن اجرای برنامه انقلاب جز با پذیرش و تقویت حاکمیت این یا آن نیروی انقلابی ممکن نباشد. اما این نیز امری نیست که یکی از نیروهای جبهه متحد خلق به قیومیت مردم در مورد آن تصمیم بگیرد. خلق خود در جریان کار و پیکار تصمیم خود را خواهد گرفت و نیروهای وفادار به خلق ناگزیر از پذیرش آن خواهند بود.

برای نمونه در انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران رهوس برنامه مورد توافق همه نیروهای انقلابی راستین از آغاز، سرنگون کردن رژیم جنایتکار سلطنتی، قطع وابستگی ایران به امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، پایان دادن به غارت سرمایه‌داران وابسته و زمین‌داران بزرگ، تأمین آزادی همه نیروهای انقلابی و پیشرفت جامعه به سود زحمتکشان بوده و هست. این برنامه بیانگر منافع اکثریت قاطع خلق‌های ایران است. در جریان شعله‌ور شدن انقلاب خیلی زود روشن شد که اجرای این برنامه - و یا دست‌کم بخش بزرگی از آن - در تناسب قوای مشخص میان نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در ایران، جز با پذیرش و تحکیم و تقویت رهبری امام خمینی ممکن نیست. امروز در صحنه انقلاب، با تمام بفرنجی‌ها، این نکته روشن است که سقوط رهبری ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی - که امپریالیسم و ارتجاع، به دست‌یاری لیبرال‌ها و مائوئیست‌های آمریکا، بدان گم بسته‌اند - تمامی آرمان‌های خلق را به باد خواهد داد و راه را برای تسلط مجدد نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم باز خواهد کرد. به این ترتیب پشتیبانی از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی در عمل به‌صورت شرط شرکت در جبهه متحد خلق درآمده است، و هر نیرویی که این شرط را نپذیرد، حتی اگر صمیمانه‌ترین نیات انقلابی را در سینه خود انبار کرده باشد، در عمل آبه آسیاب امپریالیسم و ارتجاع خواهد ریخت.

یک مثال دیگر: در انقلاب افغانستان، آن نیرویی که پیشاپیش دیگر انقلابیون حکومت ارتجاعی داودخان را سرنگون کرد و به اجرای برنامه انقلاب پرداخت، حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود.

## اندیشه تشکیل جبهه متحد خلق، به عنوان اصل محوری مبارزان انقلابی، کارگران و خلق‌های تحت‌تسلیم، همچون خط سرخی در آثار مارکسیستی از ۱۳۰ سال پیش تا امروز امتداد یافته است.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به دست‌یاری مائوئیست‌های خیانت‌پیشه حاکم بر چین و رژیم مزدور پاکستان و به اتکای نیروهای که فئودال‌ها و سرمایه‌داران افغانی آن‌ها را به مزدوری گرفته و یا فریب داده و بسج کرده بودند، جنگی اعلام شده با انقلاب افغانستان را آغاز کردند. بی‌شک در میان مسلمانان افغانستان نیروهای صادق و ضد-امپریالیستی بودند و هستند که گمان می‌برند که در صورت همگامی و همکاری با نیروهایی که اکثریت قاطع آنان را مزدوران و فریب‌خوردگان امپریالیسم و ارتجاع تشکیل می‌دهند، موفق خواهند شد حکومت انقلابی کنونی را سرنگون کنند و خود جانشین آن شوند. غافل از آن‌که، در تناسب قوای مشخص انقلاب افغانستان، سرنگونی حاکمیت انقلابی کنونی بدون کوچک‌ترین شک و تردید، حکومتی ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم بر سر کار خواهد آورد، که این مسلمانان را نیز در کنار سایر نیروهای انقلابی افغانستان قلع و قمع خواهد کرد. عدم شناخت این قانون علمی تاریخ، که انقلاب خود رهبر خود را برمی‌گزیند و خود پذیرش این رهبری را به‌صورت شرط پیروزی و رهایی خلق اعمال می‌کند، کار اینان را به آنجا کشاند که به‌جای پذیرش دعوت‌های مکرر حکومت انقلابی افغانستان برای شرکت در جبهه متحد خلق برای نوسازی افغانستان مستقل، آزاد و آباد، در مقابل آن ایستادند، و خود را تباه کردند.

در انقلاب‌های سوسیالیستی، که در آن‌ها خواست و برنامه مشترک اکثریت قاطع خلق، ساختمان سوسیالیسم با رهبری حزب پیشاهنگ طبقه کارگر است، بازم تاکتیک بنیادی پیروان سوسیالیسم علمی تشکیل جبهه متحد خلق است. شرط اساسی شرکت در جبهه متحد خلق پذیرش برنامه و آرمان مشترک خلق است. پذیرش رهبری حزب کمونیست نیز تابع همان قانونمندی عام است. همه نیروهایی که این شرایط قانونمند را بشناسند و بپذیرند، می‌توانند با شرکت در جبهه متحد خلق، آزادانه به ساختمان سوسیالیسم و اجرای برنامه انقلاب بپردازند.

تجربه شصت‌ساله سوسیالیسم واقعا موجود خود بهترین شاهد این مدعا است. در نخستین دولتی که پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت به رهبری لنین در روسیه انقلابی بر سر کار آمد، "سوسیال-رولوسینور" های چپ " نیز که در آن زمان خود را هنوز در اجرای برنامه انقلاب متعدد می‌دیدند، در دولت انقلابی شرکت داشتند و تنها زمانی کنار گذاشته شدند که علیه برنامه و رهبری مورد قبول خلق توطئه کردند. امروز میلیون‌ها مسلمان انقلابی در کنار میلیون‌ها مسیحی انقلابی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آزادانه و فعالانه برنامه انقلاب را، که منافع خلق شوروی را تأمین می‌کند، اجرا می‌کنند.

دموکراسی‌های خلقی اروپا را همه‌جا دولت‌های ائتلافی خلق اداره می‌کنند. مثلا در جمهوری دموکراتیک آلمان، رهبران چهار حزب غیر کمونیست - که یکی از آن‌ها حزب دموکرات مسیحی است - معاونان رئیس شورای دولتی (رئیس‌جمهور) هستند.

در این کشورها جبهه متحد خلق به شکل ویژه‌ای مراحل مختلف انقلاب دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی را به هم پیوند زده است.

برای پیروان راستین سوسیالیسم علمی، کوشش در راه تشکیل جبهه متحد خلق، یک تاکتیک کوتاه مدت نیست، تاکتیکی است که ابعاد استراتژیک دارد. کوشش حزب توده ایران در راه تأمین اتحاد همه نیروهای انقلابی به امروز و فردای انقلاب محدود نمی‌شود. ما شک نداریم که می‌توانیم با بخش عظیمی از پیروان اسلام راستین انقلابی، اسلام مستضعفان و استثمارشوندگان، در دوران ساختمان سوسیالیسم نیز اتحاد صمیمانه و استوار خویش را حفظ کنیم.

# جبهه متحد خلق: استراتژی یا تاکتیک؟ هم استراتژی، هم تاکتیک

بقیه از صفحه ۵

## انقلابیون مخالف تشکیل جبهه متحد خلق چه می گویند؟

"اختلاف مسلمانان انقلابی با پیروان سوسیالیسم علمی در جهان بینی و در ایدئولوژی، مانع اصلی تشکیل جبهه متحد خلق است."

این استدلال، بواقع، پوششی است که شدیدترین گرایش‌های انحصارطلبانه را استوار می‌کند. جبهه یعنی شکل و چارچوبی سیاسی برای همکاری نیروهایی که ممکن است در جهان بینی و ایدئولوژی نامگون باشند، اما در اجرای برنامه سیاسی و اجتماعی واحدی با هم توافق دارند. مدعیانی که اختلاف در جهان بینی و ایدئولوژی را مانع وحدت عمل انقلابی می‌دانند، در واقع اصل ضرورت تشکیل جبهه را نفی می‌کنند. چنین کسانی در واقع با این نفی، حکم محرومیت هر نیروی انقلابی دیگری - جز خود را - از حق طبیعی و انسانی مبارزه برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب و دفاع فعال از میهن انقلابی در برابر توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع صادر می‌کنند. آیا این حکم به شدت ظالمانه و انحصارطلبانه، با اسلام راستین انقلابی منافات ندارد؟

اما قصد ما در این مختصر عریضه‌موسوی عدالت خواهانه نیست. سخن بر سر سرنوشت انقلاب خلق است. سخن بر سر آن است که یک چنین نظری، که به هیچ وجه با واقعیت‌ها و ضرورت‌های تکامل و پیروزی جنبش خلق تطبیق نمی‌کند، به شدت به منافع خلق لطمه می‌زند و انقلاب را آشکارا در معرض خطر مسخ و براندازی قرار می‌دهد.

ما معتقدیم که یک انقلابی نمی‌تواند و نباید نسبت به واقعیات جهان و جامعه‌ای که در آن به نبرد انقلابی برمی‌خیزد، بی‌اعتنا و بی‌تفاوت باشد. نادیده گرفتن واقعیت‌ها باعث سترو شدن قدرت خلاقه و استعداد پیشران انقلابیون و انقلاب می‌شود. همه انقلاب‌های شکست خورده ناقص مانده و مسخ شده، هریک به نحوی با این مشکل، با مشکل واقع گریزی و واقع ستیزی فلج‌سازنده و عقیم‌کننده بخش مهمی از انقلابیون روبرو بوده‌اند.

این واقعیت که جامعه از طبقات و اقشار مختلفی تشکیل شده است که منافع آنان در نبرد با امپریالیسم و ارتجاع یگانه نیست، انکارناپذیر است. این اختلاف نمی‌تواند به پیدایش جهان بینی‌ها و ایدئولوژی‌های گوناگون و از جمله اختلاف در برداشت اجتماعی و سیاسی از اسلام نیانجامد. هیچ نیرویی در این جهان نمی‌تواند مانع عملکرد این قانونمندی عام اجتماعی بشود.

از سوی دیگر، سوسیالیسم نیز در جهان ما واقعیتی شکوفا، روبه رشد و انکارناپذیر است، که در پیکار ما بین انقلاب و ضد انقلاب در سطح جهان تاثیر تعیین کننده دارد. سوسیالیسم گذشته از یک فلسفه و جهان بینی معین، تئوری و براتیک علمی ساختمان جامعه‌ای پیشرفته، انسانی و فارغ از ستم و نابرابری و استثمار نیز هست. بی‌هیچ اغراق در جهان امروز هیچ عنصر و نیروی راستین انقلابی نیست که به نوعی تحت تاثیر این اندیشه و عمل دوران ساز قرار نگرفته باشد. هیچ گرایشی به ساختمان جامعه‌ای انسانی و انقلابی نمی‌تواند از روش علمی ساختمان این جامعه بهره‌نجوید.

یکی از نتایج طبیعی و ممانعت‌ناپذیر این واقعیت انکارناپذیر دوران ما آن است که، در هر جامعه‌ای که در آن علم و فرهنگ نشانی هست، و در جمله در میهن ما، گروهی از آگاه‌ترین، پاک‌ترین و فداکارترین زحمتکشان و روشنفکران انقلابی، که این اندیشه و این نظریه را بیانگر منافع انقلابی‌ترین طبقه جامعه ما - طبقه کارگر - و منافع وسیع‌ترین اقشار خلق و مصالح بشریت مترقی می‌بینند، به پیروی از آن در سازمان‌های انقلابی پیرو سوسیالیسم علمی متشکل می‌شوند. هیچ نیرویی در جهان توان ستیز با این واقعیت قانونمند دوران ما را نیز ندارد. مارکسیسم و مارکسیست‌ها را نمی‌توان نابود کرد و ریشه‌کن ساخت. تا بشریت مترقی هست و تا علم هست، مارکسیسم و مارکسیست‌ها نیز هستند.

واقعیتی دیگر، که علاوه بر تجربه جنبش‌های رهایی بخش در سراسر جهان، تجربه یک قرن مبارزه انقلابی در میهن ما نیز بر آن مهر تایید زده است، آن است که، انقلاب شکوهمند ما جز به همیاری و همکاری همه نیروهای انقلابی و صدیق، صرف نظر از تفاوت در جهان بینی و ایدئولوژی نمی‌تواند به پیروزی قطعی و بازگشت‌ناپذیر بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی نایل آید. دشمنان انقلاب نیز این نکته را نیک می‌دانند و از این رو با تمام نیروی جنمی خود به شگاف موجود ما بین انقلابیون ایران - یورش می‌آورند؛ مسلمانان انقلابی را از توده‌های می‌ترسانند و توده‌های را به خاطر پشتیبانی از مسلمانان انقلابی متهم به "اپورتونیزم" می‌کنند و آن گاه که از این مقدمات طرفی بر نمی‌بندند، هردو را با هم زیر ضرب می‌گیرند.

پیروان راستین سوسیالیسم علمی که، بدون هیچ گونه علاقه‌ای به خودستایی، خود را دارای رسالتی تاریخی در تامین پیروزی انقلاب و ساختمان جامعه نوین می‌دانند، همواره بر این واقعیت قانونمند، که پیروزی انقلاب و نوسازی موقیقت‌آمیز جامعه در گرو اتحاد خلق است، تاکید کرده‌اند. ما در توضیح تاکتیک بنیادی مبارزه سیاسی مارکسیست‌ها این نکته را توضیح دادیم. مارکسیست‌ها حتی در کشورهایی که رهبری انقلاب را در اختیار دارند، با هرگونه گرایش انحصارطلبانه‌ای که این قانونمندی عام را انکار کند، مبارزه می‌کنند. آن‌ها در عمل روزمره نشان داده‌اند که بیش از هر نیروی انقلابی دیگری بر این نکته آگاهند که تفرقه افکنی چپ‌روانه یا راست‌گرایانه در صفوف خلق، تا چه حد به منافع خلق و قبل از همه به منافع طبقه کارگر آسیب می‌زند.

اما آن گروه از مسلمانان انقلابی که در نظر و عمل با اتحادنیروهای انقلابی، صرف نظر از جهان بینی و ایدئولوژی آن‌ها، مخالفت می‌ورزند، معنای عمیق این قانون واقعی و عینی را هنوز نشناخته‌اند. آن‌ها با این تخالف‌خوانی، با واقعیات انکارناپذیر و با قانونمندی‌های عام و جهان - شمول جامعه به ستیز برمی‌خیزند. ولی تاریخ بارها و بارها نشان داده است که گریز از واقعیت و ستیز با واقعیت چه عاقبت ثومی دارد. خوشبختانه در انقلاب ما این گرایش هرگز مطلق نبوده و نیست. خوشبختانه بخشی از مسلمانان انقلابی پیروخط امام و پیشاپیش همه شخص

امام خمینی، علی‌رغم فشار شدید انحصارطلبان و قشریون راستگرا، با گراپی که این واقعیت‌ها را به کلی نفی می‌کند، مخالفتند. در همین ماه‌های اخیر که میهن ما تحت فشار مستقیم و غیر مستقیم امپریالیسم و ارتجاع، بسرگردگی آمریکا، و جاده صاف‌کن‌های آنان، با مشکلات بسیار بفرنجی درگیر شده‌است، امام خمینی از جمله گفته‌اند:

"عقل سیاسی اقتضا می‌کند که ما امروز با آن اشخاصی که در رویه‌هم حتی با ما مخالفت دارند، لیکن در اصل مقصد یا ما موافقت، یا ملت موافقت، مسیرشان مسیر ملت است، عقل سیاسی اقتضا می‌کند که ما امروز دست از تمام اختلافات برداریم." (۱۵)

وجود آن چه که امام خمینی "عقل سیاسی" می‌نامند و ما آن را به "واقع بینی" انقلابی تعبیر می‌کنیم، در میان پیروان خط امام، خوشبختانه باعث نده است که اتحاد پیروان راستین سوسیالیسم علمی و مسلمانان راستین انقلابی، دست‌کم به شکل محدود در عمل محفوظ بماند و حتی رشد کند و انقلاب بتواند با همه کژی‌ها و کندی‌ها، در راستای اصلی خویش پیش برود.

استدلال رایج دیگری که بخشی از مسلمانان انقلابی در مخالفت با اتحاد با پیروان سوسیالیسم علمی می‌آورند این است که: "مارکسیست‌ها در دفاع از اسلام راستین انقلابی تعهدی ندارند، و نه تنها تعهدی ندارند، بلکه هم گامی تاکتیکی آن‌ها با اسلام انقلابی برای آن است که به اعتقادات مذهبی مسلمانان خدشه وارد آورند."

امپریالیسم، ضد انقلاب و همه هواخواهان نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم از برجسته‌کردن و تکرار اختلاف نظر معتقدان به مذهب با سوسیالیسم علمی در زمینه فلسفی، خسته نمی‌شوند. روی حساسیت بسیاری از مسلمانان انقلابی تکیه می‌کنند و به این حساسیت دامن می‌زنند، زیرا می‌دانند که بسیاری از مسلمانان انقلابی اصیل و صادق ایران از نظر واقعی سوسیالیسم علمی درباره مذهب متأسفانه بی‌اطلاع یا کم‌اطلاعتند و در نتیجه نسبت به نگرش واقعی پیروان سوسیالیسم علمی سو‌ظن ریشه‌داری دارند. "چشم اسفندیار" اسلام انقلابی سالهاست که هدف تیره‌های زهرآلود دشمنان اسلام انقلابی و دشمنان استقلال و آزادی و پیشرفت میهن ماست. و متأسفانه آنان بر سر بیچ‌ها و گذرگاه‌های حساس تاریخ ماصر ایران، از این نقطه ضعف سو‌استفاده‌های بسیار کرده‌اند. ما می‌گوییم که اختلاف نظر در زمینه‌های ایدئولوژیک و فلسفی، مانع همکاری و تفاهم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و در مبارزه مشترک با دشمنان واحد نیست. برجسته‌سازی و عمده‌کردن بی‌موقع و بی‌ضرورت اختلاف نظرها به وجوه وحدت و همکاری، که ضرورت حاد و مبرم روز و مطمئن‌ترین ستوانه برای پیشبرد آماج اساسی انقلاب است، لطمه می‌زند. و این تصور با "روشن بینی" و "عقل سیاسی" سازگار است.

نگرش جامع مارکسیسم - لننیزم نسبت به مذهب، وجوه تشابه زیادی با نگرش مسلمانان انقلابی دارد. و این محلی مطمئن برای

## با تشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم

تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب تنها و تنها در گرو تجهیز توده‌ها برای دفاع از این دستاوردها و برای گرفتن حقوقشان از غارتگران است. و تجهیز توده‌ها تنها در گرو حرکت به سوی اتحاد و همکاری همه نیروهای خلق، صرف نظر از هرگونه تفاوت فکری و سیاسی و ایدئولوژیک، درجبهه متحدی است که از یکسو با تمام توان خود در مقابل دسایس و توطئه‌ها و تجاوزات سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی دشمنان انقلاب و در راس همه امپریالیسم آمریکا ایستادگی کند و یک گام عقب ننشیند و از سوی دیگر با تمام توان خود برای از بین بردن پایگاه‌های اصلی ضدانقلاب و امپریالیسم در پشت این جبهه نبرد در سراسر جامعه ایران، یعنی بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری و همه جریان‌های سیاسی و یا به ظاهر مذهبی وابسته به آن مبارزه کند.

چنین اتحادی هنگامی پایدار و پابرجا و موثر خواهد بود که از درون صفوف خلق بجوشد و در جریان مبارزه برای هدفهای انقلابی خلق آیدیده شود. پی‌ریزی چنین اتحادی تنها از راه تقویت همه‌جانبه شوراهای عام مردمی میسر است، شوراهایی که به جز وابستگی و سرسپردگان سیاسی و اقتصادی به ضدانقلاب، همه مردم را دربرگیرد و از هرگونه انحصارطلبی این ویا آن گروه آزاد باشد.

برای به راه انداختن یک چنین جریانی، حزب توده ایران پیشنهاد می‌کند که برای بررسی راه‌ها و تصمیم‌گیری در زمینه تأمین اتحاد عموم خلق، بی‌درنگ شورای تفاهم ملی از کلیه گروه‌ها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی که اصول مشترک پاسداری و نگاهداری از انقلاب را صادقانه می‌پذیرند، تشکیل گردد. همان اصولی که طی رهنمودهای مختلف سیاسی و اجتماعی امام خمینی بازتاب یافته‌اند و مورد تایید توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان جامعه هستند.

دریک چنین شورا و یا کنفرانس تفاهم ملی می‌توان جبهه فراگیر اتحاد مردمی، جبهه متحد نیروهای راستین انقلاب و یاجبهه متحد خلق را شالوده ریخت.

(از: برنامه حزب توده ایران مصوب هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران)

مبارزه طبقاتی روبرو بشویم." (۱۶) این گفته لنین اساس اسلوب مارکسیستی برخورد با مذهب را تشکیل می‌دهد. پیروان راستین اندیشه‌های مارکس و انگلس و لنین نیز مانند مسلمانان راستین انقلابی دو نوع مذهب می‌شناسند: مذهب طبقات حاکم و مذهب طبقات محروم، مذهب استثمارکنندگان و مذهب استثمار شوندهگان. اولی را محکوم می‌کنند و دومی را می‌ستایند.

کسانی که می‌خواهند نگرش جامع مارکسیسم نسبت به مذهب را دریابند، خوب است کتاب "جنگ دهقانی در آلمان"، اثر برجسته انگلس، را بخوانند و ببینند که چگونه او از مذهب کشیش انقلابی "مونتسر"، که عیسی مسیح را فرستاده خدا برای استقرار عدل بر روی زمین می‌دانست، در برابر مسیحیت کلیسای کاتولیک مدافع فئودالیسم حمایت می‌کند. (۱۷)

چنین است که پیروان راستین سوسیالیسم علمی در ایران، به پیروی از رهنمودهای بنیانگزاران این اندیشه و به سائقه تعهد انقلابی خویش، وظیفه دارند که پشتیبانان اسلام انقلابی امام خمینی باشند و در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جان بپازند و خون بدهند، بی‌این‌که در این بین در اندیشه واقعی‌شان شائبه‌ای راه یافته باشد و در خود ریب و ربایبی سراغ کنند.

ادعا می‌کنند که اتحاد با پیروان سوسیالیسم علمی خطرناک است، زیرا که گویا آن‌ها مترصد فرصتند، تا در زمان مناسب، سر متحدان خود را زیر آب کنند و به اصطلاح از پشت به آن‌ها خنجر بزنند.

به جرات ادعا می‌کنیم که کسانی که چنین اتهامی را نسبت به مارکسیست‌های واقعی روا می‌دارند، از تمام تجربیات جنبش انقلابی جهانی نمی‌توانند حتی یک نمونه - تا کید می‌کنیم - حتی یک نمونه تاریخی شاهد بیاورند که در آن، پیروان راستین سوسیالیسم علمی، در روی گرداندن از متحدان انقلابی خود پیشقدم شده باشند و یا علیه حکومتی انقلابی، که به پیمان خود با خلق وفادار مانده باشد، توطئه کنند و یا به مبارزه قهرآمیز دست بزنند. افسانه "ناروزدن" مارکسیست‌ها را آن نیروهای ساخته‌اند که خود رفیق نیمه‌راهند و توان ادامه انقلاب تا به آخر را در خود نمی‌بینند و چاره را در رواج سو‌ظن و نفاق در میان پیوندگان واقعی راه انقلاب دیده‌اند.

برعکس، واقعیات تاریخی حاکی از آنست که همواره این کمونیست‌ها بوده‌اند که در لحظه چرخش سیاست متحدان خویش، از دوستان نیمه‌راه ضربه خورده‌اند. نمونه چین پس از سون‌یات‌سن، که در آن طرفداران چیانگ‌کیچک به قتل عام کمونیست‌ها پرداختند، نمونه مصر انور سادات، سودان جعفر نمیری و عراق صدام حسین مشتی از خروارند. سیاست همکاری کمونیست‌ها با دیگر نیروهای خلقی و انقلابی، همواره آنان را در معرض قربانی شدن در نخستین حمله ارتجاع قرار داده است. با این همه، کمونیست‌ها، که این سیاست را جز به سود خلق نمی‌دانند، پذیرفته‌اند که سرنوشت انقلاب با سرنوشت آنان گره بخورد و در سرآغاز شکست هر انقلابی، آنها پیشاپیش خلق قربانی شوند.

برخی از مسلمانان انقلابی، با اشاره به اشتباهات برخی از پیروان سوسیالیسم علمی و از جمله ارزیابی نادرست ما از رهبری دکتر مصدق در ماه‌های نخست نهضت ملی شدن نفت، استدلال می‌کنند که مارکسیست‌ها، اگر هم حسن نیت داشته باشند، ممکنست به اشتباه به نهضت لطمه بزنند، پس اتحاد با آنان همچنان خطرناک است!

پاسخ ما به این شبه استدلال روشن است: ما می‌گوییم که مارکسیست‌ها هم مانند هر نیروی انقلابی دیگری اشتباه می‌کنند، اما آنان به دلیل پیش علمی و تعهد انقلابی خویش نسبت به جنبش خلق، اولاً کمتر از دیگران اشتباه می‌کنند، و ثانیاً برای اصلاح اشتباهات خویش بیش از دیگران توانایی و آمادگی نشان می‌دهند. در همین نمونه تاریخی سیاست ما نسبت به دکتر مصدق، این درست است که ما در دوره معین و محدودی موفق نشدیم شیوه برخورد مارکسیست-لنینیستی را در ارزیابی جنبش ملی شدن نفت و ترکیب ناممکن رهبری آن به درستی بکار بندیم. اما این هم درست است که ما سرانجام خود بر این اشتباه فایق آمدیم و در ماه‌های سرنوشت ساز نهایی جنبش، پیشاپیش محدودی از پیروان راستین دکتر مصدق، تنها پشتوانه و پشتیبان بیگیر و انقلابی نهضت و رهبری آن بودیم. و پس از شکست جنبش نیز در واقع ما بودیم که قربانی شدیم نه دیگران.

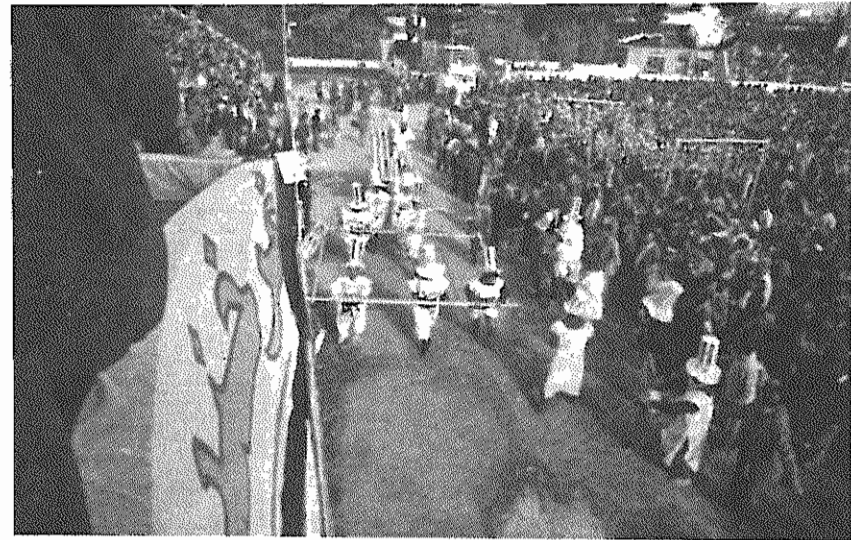
دیدن این بخش از تاریخ و ندیدن آن جنبه از آن، آیا ناشی از بهانه جویی صرف نیست؟ مگر در تاریخ صدساله جنبش انقلابی ماصر ایران، مسلمانان انقلابی کم اشتباه کرده‌اند؟ و از قضا کم با تعصب تمام بر این اشتباهات اصرار ورزیده‌اند؟ ما اگر کودکانه بخواهیم مقابله به مثل کنیم، می‌توانیم از این اشتباهات طومارها تهیه کنیم. اما نقش و رسالت انقلابی ما، تاکید بر نکات منفی فعالیت متحدان انقلابی ما نیست. ما عقیده داریم که آن انقلابی که وظیفه خویش را چنین می‌بیند، ناآگاهانه بر ریشه خویش و بر ریشه جنبش خلق تیشه می‌زند.

برخی بهانه‌جویان شگرد دیگری نیز دارند. آنان به اصرار تمام می‌گویند که فعالیت خرابکارانه و ضدانقلابی چپ‌نمایان را به حساب پیروان راستین سوسیالیسم علمی بنویسند و از این طریق ناآگاهانه و ناخواسته برای این گروه‌ها اعتبار و اصالت بترانند. غافل از آنکه کمونیست-قلمدار کردن ماؤتیست‌ها و تروتسکیست‌ها و آنارشیت‌ها - یکی از شگرد‌های امپریالیسم و عمال و دوستان امپریالیست‌هاست که، به گواهی تاریخ، بطور مستقیم یا غیرمستقیم، در ایجاد و تقویت این جریان‌ها دست داشته و دارند. اگر حقیقتان سال‌های سیاه شمشاهی پرده ابهام بر این واقعیت کشیده بود، در این دوساله، انقلابیون راستین برای تشخیص آن از نظر عینی مشکلی نداشته‌اند. امروز واقعیت آشکارتر از آفتابست. مارکسیست‌های راستین در کنار خلق و انقلاب، و چپ‌نمایان آلت دست جبهه امپریالیسم و ارتجاعند. چه اصراری در مخدوش کردن این واقعیت، که جز به سود انقلاب نیست، دارید؟

می‌گویند: هدف استراتژیک مارکسیست‌ها سوسیالیسم است. اختلاف آرمان‌نهایی مسلمانان انقلابی با هدف استراتژیک مارکسیست‌ها مانع اتحاد این نیروها می‌شود. "عقل سیاسی" این ایراد را نیز منطقی نمی‌داند. مگر ما خواستار تشکیل جبهه متحد خلق برای انقلاب سوسیالیستی هستیم؟ ما می‌گوئیم پیروزی قطعی و بازگشت‌ناپذیر انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع، بقیه در صفحه ۳

۱۶. لنین: کلیات، چاپ ۱۹۶۵، جلد ۱، ص ۸۶  
۱۷. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به مصاحبه ف. م. جوانشیر با "ضمیمه نامه مردم برای جوانان توده" - شماره ۴ دی ماه ۵۹.

## جنبش سندیکائی ایران، بخش جدائی‌ناپذیر انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است



اجرای کارناوال ضد امریکائی در جشن اول ماه مه، در استادیوم نصیری

در مراسم اول ماه مه در استادیوم نصیری، دیر «انجمن همبستگی» سخنران اصلی بود، که اینک خلاصه‌ای از این سخنرانی را در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسانیم.

حسن نعمتی دبیر «انجمن همبستگی» پس از تبریک به شرکت کنندگان در میتینگ اول ماه مه و تشکر از سندیکاهای شوراهای کارگری و انجمن‌ها و سازمان‌ها و احزابی که دعوت انجمن همبستگی را برای شرکت در مراسم اول ماه مه پذیرفته‌اند، از جمله گفت:

«امسال ما در شرایطی روز همبستگی بین‌المللی کارگران را برگزار می‌کنیم که چندین توطئه و تجاوز امپریالیسم، پس‌گردگی امریکائی جنایتکار با همدستی کشورهای مرتجع منطقه و ضد انقلاب داخلی را خنثی کرده‌ایم. امپریالیسم آمریکا با شکست تحریکات و تجاوز نظامی خود به ایران، تجاوز جنگی صدام‌مزدور را علیه انقلاب اسلامی ما تدارک دید. اکنون که طلیعه شکست نهایی صدام امریکائی با اراده و همت پرتوان نیروهای رزمنده ما آشکار شده است، امپریالیسم و در رأس آن آمریکا، توطئه‌های دیگری را در سراسر کشور تدارک دیده، که هم‌اکنون نیز در حال اجراست. ناآرامی در مناطق مختلف کشور تهران یا نوازشهای آمریکا برای انعقاد پیمان نظامی منطقه حکایت از تعرض همه‌جانبه‌ای دارد که علیه موجودیت جمهوری اسلامی ما در جریان است. نماینده «انجمن همبستگی» سپس گفت:

«انقلاب اسلامی مردم ایران برهبری امام خمینی دویشتوانه

قوی دارد: اول رهبری قاطعانه امام است که در سرنگونی رژیم مستبد پهلوی و طرد امپریالیسم از ایران و مردمی شدن انقلاب نقش برجسته‌ای داشته و دارد. دوم شرکت وسیع توده‌های زحمتکش - در صف مقدم آن کارگران - در انقلاب است که پشتوانه پیروزیها و تداوم انقلاب است. هم‌اکنون کارگران و زحمتکشان در جبهه و پشت‌جبهه، در سنگر و کارخانه، در مزرعه و طول راه‌ها با صرف نیرو و کار شبانه‌روزی، از انقلاب همچون مردمک چشم خود محافظت و تکبهداری می‌کنند.

نماینده انجمن همبستگی آنگاه به تاریخ جنبش سندیکائی در ایران اشاره کرد و گفت: «گذری به تاریخ دوساله پیروزی انقلاب نشان می‌دهد که جنبش سندیکائی کارگران نه فقط بصورت فعال و با شرکت میلیون‌ها نفر در دفاع از انقلاب در صحنه حضور دارد، بلکه سرپا خود را بازسازی می‌کند. امروز که چنین مراسم باشکوهی بمناسبت اول ماه مه برگزار میشود، خود بی‌افکار آنست که این جنبش کارگران با گامهای استوار به پیش می‌رود و قادر خواهد بود با شور انقلابی و آگاهی سیاسی قدرت تشکیلات صنفی و سندیکائی خود را گسترش داده و در خدمت دفاع از انقلاب و منافع زحمتکشان قرار دهد.

نماینده انجمن همبستگی سپس اصولی را که پایه فعالیت این انجمن و دلیل موفقیت آن است، به شکل زیر برشمرد: «۱- انجمن در فعالیت خود بر مبارزات صنفی کارگران و زحمتکشان ایران در طول نزدیک به ۸۰ سال که از جنبش سندیکائی ایران میگذرد تکیه دارد و تجربیات

آنرا در فعالیت خود بکار می‌بندد و به پیش‌کشوتان این جنبش که وفاداری خود را به طبقه کارگر در پوئه آزمایشهای سخت ثابت کرده‌اند ارج و احترام بسیار می‌گذارد.

۲- انجمن جنبش سندیکائی ایران را بخش جدائی‌ناپذیر انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران برهبری امام خمینی می‌داند و با تمام نیرو از انقلاب دفاع میکند. انجمن امپریالیسم آمریکا را غدارترین دشمن مردم و انقلاب ایران می‌شناسد و قطع نفوذ کامل آن را در شئون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وظیفه عمده خود و جنبش سندیکائی ایران تلقی می‌کند.

۳- انجمن به اهمیت وحدت جنبش سندیکائی کارگران ایران با جنبش بین‌المللی کارگران و زحمتکشان بدورستی واقف است و میدانند که کارگران صرف نظر از نژاد و مذهب و مسلک در مبارزه علیه ظلم و استثمار روهائی از سلطه‌های امپریالیسم و سرمایه‌داری منافع مشترک دارند و تنها با اتحاد و پشتیبانی از یکدیگر میتوانند از خود دفاع کنند.

۴- انجمن به اهمیت استقلال جنبش سندیکائی کارگران و زحمتکشان عمیقاً واقف است و میدانند که جنبش سندیکائی خود را گسترش داده و در خدمت دفاع از انقلاب و منافع زحمتکشان قرار دهد. انجمن و دلیل موفقیت آن است، به شکل زیر برشمرد: «۱- انجمن در فعالیت خود بر مبارزات صنفی کارگران و زحمتکشان ایران در طول نزدیک به ۸۰ سال که از جنبش سندیکائی ایران میگذرد تکیه دارد و تجربیات

تشکیلی است که زحمتکشان را در راه تحقق مبرم‌ترین خواسته‌هایشان پدور هم گرد می‌آورد و نسبت به آگاهی آنان در رسیدن به مقصود اقدام میکند. بر همین پایه است که ما از کلیه کارگران و زحمتکشان در کارخانه‌ها، کارگاهها، ادارات و موسسات دعوت می‌کنیم سازمانهای صنفی خود را بر پایه ایجاد سندیکاهای شوراهای کارگری و صنفی بنا کنند و هر چه سریعتر نسبت به ایجاد سندیکاهای رشته‌ای و حرفه‌ای بکوشند و سازمان‌سراسری سندیکائی، اتحادیه‌ای خود را اعم از شاغلان کاریدی و فکری، ایجاد نمایند. ایجاد چنین تشکیلی برای کارگران و زحمتکشان از دو جهت اهمیت دارد. یکی دفاع از انقلاب است که مسلماً امپریالیسم و ضدانقلاب به حملات وسیعتری علیه مواضع انقلابی ما خواهد پرداخت که هم‌اکنون نیز به آن پرداخته است. جلوگیری از اجرای بندهای دج و ده در مورد تقسیم زمین بین دهقانان و حربه‌های بیکاری، گرانی و تورم و نظایر آن و همچنین ایجاد ناآرامی و آشوب حکایت از توطئه‌های وسیع بزرگ سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و همدستان آنان دارد، که با پشتیبانی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ما صورت می‌گیرد. برای مقابله با این تحریکات تشکیلات صنفی و سندیکائی کارگران و زحمتکشان امری حیاتی است. از جانب دیگر برای رهائی میلیونها کارگر از وضع سخت و طاقت‌فرسای شرایط کار و تامین کار و بیمه برای کارگران که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن پرداخته شده است تشکیلات صنفی و سندیکائی اهمیت فوق‌العاده دارد».

نماینده انجمن همبستگی آنگاه با تشریح وضع دشوار کار و زندگی کارگران و زحمتکشان، از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران خواست که هم در رفع این مشکلات اقدام کنند و هم تشکیلات صنفی و سندیکائی را طبق اصول قانون اساسی به رسمیت بشناسند. نماینده انجمن همبستگی ضمن اعلام همبستگی کارگران و زحمتکشان ایران با جنبشهای آزادیبخش ملی و تشکر از تمام کشورهای مدافع انقلاب ایران، آمادگی کارگران و زحمتکشان ایران را برای دفاع از انقلاب و مقابله با توطئه‌های امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، اعلام داشت. نماینده انجمن همبستگی در پایان سخنان خود بر لزوم وحدت کارگران و زحمتکشان ایران، صرف نظر از هر نوع عقیده و مذهب و مسلک تاکید کرد.

فرزنده هوایمهای مهاجم عراقی، که به حریم فضایی جمهوری اسلامی ایران وارد شده بودند، بر اثر اجرای آتش‌پدافند زمین به هوای ارتش جمهوری اسلامی ایران ناچار به فرار شدند.

ارتفاعات ملکشاهی در جبهه‌های غرب کشور، رزمندگان انقلاب پیشروی تجاوزگران صدامی را متوقف کردند و در نتیجه درگیری با آنان، ۵ سنگر گروهی و یک سنگر مهمات ارتش عراق را به آتش کشیدند. همچنین در یکی از جبهه‌های منطقه ایلام، حمله تویخانه نیروهای دشمن با آتش متقابل رزمندگان انقلاب روبرو شد. در نتیجه تلفاتی به تجاوزگران وارد آمد.

طی روز ۱۱ اردیبهشت، چند

بر اثر اجرای آتش یکانهای رزمندگان انقلاب بر مواضع دشمن در منطقه قار- المعامر و سیه، یک خودرو نظامی و یک دستگاه بی‌سیم ارتش عراق منهدم و مقدار زیادی از مهمات آنان به آتش کشیده شد. در جبهه آبادان نیز ۲ سنگر اجتماعی و یک مخزن سوخت عراقی‌ها نابود شد. نیروهای صدام نیز بار دیگر با اجرای آتش تویخانه روی مناطق مسکونی آبادان، خسارات و تلفاتی به هم‌میهنان آبادانی وارد کردند. دو

در دو روز گذشته همچنین

### یکی از مناطق...

بقیه از صفحه ۹

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در جریان این عملیات، که روز جمعه ۱۱ اردیبهشت انجام شد، ۴ تانک، ۲ نفر و خودروی دشمن بکلی نابود شد و ۶۰ تن از تجاوزگران صدامی به هلاکت رسیدند. تعداد مجروحین افراد دشمن در این عملیات ۱۰۰ تن و اسیران عراقی ۳۹ نفر اعلام شده است.

در دو روز گذشته همچنین

## شعارهای اول ماه مه

(۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)

- ۱- فرخنده‌باد اول ماه مه روز همبستگی بین‌المللی کارگران و زحمتکشان جهان!
- ۲- پیروزباد انقلاب اسلامی و ضد امپریالیستی مردم ایران!
- ۳- درود به امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران!
- ۴- افتخار به شهیدای انقلاب و شهیدای جنگ علیه صدام‌مزدور و معلولین و خانواده‌های آنان! ما با کلیه آوارگان جنگی عمیقاً ابراز همدردی می‌کنیم.
- ۵- درود به رزمندگان جبهه‌های جنوب و غرب کشور و به همه نیروهای مسلح، که فداکارانه از انقلاب اسلامی، تمامیت ارضی و استقلال ایران دفاع می‌کنند!
- ۶- امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی انقلاب ایران است. وحدت نیروهای انقلاب ضامن پیروزی انقلاب است.
- ۷- کارگران و زحمتکشان ایران تجمع نیروهای نظامی امپریالیستی و در رأس آن آمریکا را در منطقه محکوم میکنند.
- ۸- کارگران و زحمتکشان ایران جنگ تحمیلی و تجاوزگرانه صدام‌مزدور را محکوم میکنند و تا شکست قطعی دشمن متجاوز از پای نخواهند نشست.
- ۹- کارگران و زحمتکشان ایران بخاطر تامین استقلال، آزادی و دفاع از جمهوری اسلامی آماده همه‌گونه فداکاری هستند.
- ۱۰- شعار امروز کارگران تلاش شبانه‌روزی برای تولید بیشتر، خدمات زیادتی، فداکاری در جبهه و پشت جبهه و خودداری از کم‌کاری، اعتصاب و تحصن است.
- ۱۱- بزرگ سرمایه‌داران و بزرگ مالکان در کارهای صنعتی و کشاورزی اخلال می‌کنند. با برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه صنایع مادر و اجرای بندهای دج و ده در مورد تقسیم زمین بین دهقانان به این اخلال‌ها پایان دهید. توطئه‌های بزرگ سرمایه‌داران و بزرگ مالکان را علیه انقلاب درهم شکنید.
- ۱۲- تجار عمده، محترکان و واسطه‌ها عوامل اصلی گرانی و گرانفروشی هستند. با اجرای هر چه سریعتر اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد ملی‌کردن بازرگانی خارجی، ایجاد و توسعه فروشگاههای دولتی، تعاونیهای توزیع و مصرف، بازرگانی و گرانفروشی قاطعانه مبارزه کنید.
- ۱۳- حمایت از تولید و توزیع کنندگان خرده‌ها در شهر و ده مورد تایید کارگران است. مستحکم‌باد اتحاد کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهر و ده!
- ۱۴- کارگران خواستار اجرای قانون ۴۴ ساعت کار در هفته در همه‌جا، پرداخت دستمزد مساوی در برابر کار مساوی، انعقاد قراردادهای دسته‌جمعی کار، طبقه‌بندی مشاغل، رفع تبعیض بین زن و مرد، قدغن ساختن کار کودکان، رعایت بهداشت و ایمنی در محیط کار، بیمه بیکاری و تامین اجتماعی، گسترش بهداشت و آموزش رایگان، تامین مسکن و توسعه تعاونیهای کارگری هستند. این خواسته‌ها را برآورده سازید.
- ۱۵- تنظیم و تدوین قوانین مترقی کار و تامین اجتماعی باید با شرکت فعال نمایندگان منتخب کارگران بعمل آید.
- ۱۶- بیکاری بالای کارگران است. با ایجاد کار و منع استفاده از ماده ۳۳ و مواد مشابه قانون کار طاقتی وضع کارگران و زحمتکشان را بهبود بخشید.
- ۱۷- تشکیلات کارگران و زحمتکشان در انجمن‌های صنفی (سندیکایا و اتحادیه‌ها) از نظر دفاع از انقلاب و تحقق خواسته‌های کارگران، ضروری است. موانع نظام‌طاقتی را از سر راه تشکیل و گسترش سندیکاهای شوراهای کارگران بردارید.
- ۱۸- نظام پیش‌بینی شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در اداره کشور، تولید و خدمات به اجرا در آورید.
- ۱۹- تشکیلات صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان وثیقه معتبر سیر انقلاب به پیش است. وحدت کارگران و زحمتکشان پایه مطمئنی برای اتحاد همه نیروها و دفاع از انقلاب و دستاوردهای آنست.
- ۲۰- کارگران و زحمتکشان با تمام نیرو از نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی می‌کنند. پاسداران انقلاب! کارگران و زحمتکشان پشتیبان شما هستند.
- ۲۱- هر چه مستحکم‌تر باد اتحاد مدافعین خط امام و نهادهای برخاسته از انقلاب!
- ۲۲- کارگران و زحمتکشان ایران از کلیه کشورهایی که از انقلاب اسلامی ایران جانبداری می‌کنند، پشتیبانی کرده و خواهند کرد.
- ۲۳- حفظ و تحکیم همبستگی کارگران ایرانی با زحمتکشان جهان در مبارزه بخاطر استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی بسود زحمتکشان جهان و انقلاب اسلامی ایران است.
- ۲۴- کارگران ایران از همبستگی بین‌المللی زحمتکشان جهان با تمام نیرو پشتیبانی می‌کنند.
- ۲۵- پیروزباد استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی ایران. کمیته برگزاری روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین  
و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!

اطلاعیه سازمان حزب توده ایران در ساری:

با حفظ آرامش و نظم انقلابی، توطئه ضد انقلاب را خنثی کنیم

در ارتباط با حوادث اخیر شهرهای شمالی کشور، حزب توده ایران - سازمان ساری اطلاعیه‌ای صادر کرده، که متن آن چنین است: مردم مبارز ساری! در زمانی که کشور ما درگیر جنگ تجاوزکارانه آمریکایی و درگیر مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی است، که دشمن اصلی مردم ایران، یعنی آمریکای جنایتکار برای خلق ستم‌دیده ما پدید آورده است، ضدانقلاب سازمان‌یافته، ساواکی‌ها، کلان‌سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان و گروهکهای مائوئیستی - آمریکایی سعی بر این دارند که بر جو تشنج و ناامنی در کشور بیفزایند و از این طریق مردم را نسبت به انقلاب بدبین کنند. آنها می‌کوشند و انمود کنند که نظام جمهوری اسلامی ایران قادر به ایجاد امنیت و برقراری نظم و استقرار قانون نیست. برای اجرای همین نقشه، در چند روز اخیر موج جدید توطئه برخی از شهرها را فراگرفته است و هر روز خبر از درگیری و تشنج و بمب‌گذاری می‌رسد. در چنین زمانی تصادفی نیست که شهر ما نیز از این توطئه در امان نمانده است. در دو سالی که از انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی ما میگذرد، این اولین بار نیست که ضدانقلاب سعی در ایجاد تشنج و درگیری دارد. هرگاه امپریالیسم آمریکا در تدارک اجرای توطئه جدیدی است، عوامل خود را در ایران وامی‌دارد که پرده دودی ایجاد کنند، تا او بتواند در پشت آن به اعمال جنایتکارانه خود ادامه دهد. روزهای قبل از تجاوز نظامی طیس و روزهای هجدهم تیر ۵۹ و روزهای پیش از توطئه تجاوز آمریکایی صدام خائن را بیاد آورید. در آن روزها نیز مانند امروز در گوشه و کنار کشور خبر از بمب‌گذاری و درگیری و تشنج بود. امپریالیسم آمریکا تصور میکند که

می‌تواند با ایجاد انحراف در اذهان عمومی در اجرای توطئه‌های خود موفق شود. درگیریهایی که در چند روز اخیر در شهر ما بوقوع پیوست، در اثر حادثه آفرینی‌های گروهکهای چپ‌رو، چپ‌نما و راست افراطی بود. در همانحال در این شرایط حساس و بغرنج کشور، مسئولان متعهد و انقلابی شهر نباید دست به اقدامات عجولانه بزنند. بر آن‌هاست که با حفظ کمال‌خونسردی، ریشه اصلی درگیریها را بیابند و درصدد رفع آن برآیند. عناصر ضدانقلابی را شناسایی، دستگیر و مجازات کنند. نهادهای انقلابی را از عناصر ضدانقلابی پاکسازی کنند و دست عناصر مشکوک و غیرمسئول و انحصارطلب را از این درگیریها کوتاه سازند. مجاهدین خلق!

تاریخ هیچ گناهی را نخواهد بخشید. اعمال خود را مورد ارزیابی مجدد قرار دهید و بخود بیایید، تا دیر نشده، از دامهای ضدانقلاب حذر کنید.

مردم قهرمان ساری! امپریالیسم جنایتکار آمریکا در حال اجرای توطئه هفتم خود علیه انقلاب شکوهمند ما است. با اتحاد و همبستگی این توطئه را هم خنثی کنید.

مرگ‌بر امپریالیسم آمریکا! برقرار باد چپبه متحد خلق! حزب توده ایران - سازمان ساری ۱۳۶۰/۲/۱۰

بازگشت آرامش به بهبهان

بدنبال برپائی نمایشگاههای خیابانی از طرف هواداران سازمان مجاهدین خلق در بهبهان و بوجود آمدن جو تشنج در روز ۲۵ فروردین سال ۶۰، که منجر به درگیری بین هواداران این سازمان و عده‌ای از مخالفین آنها شد، بیست نفر از طرفین متخاصم مجروح شدند. خوشبختانه روز بعد از این ماجرا، به‌دنبال تسبیح‌چانه ۴ پاسدار شهید در جبهه جنگ و به‌دعوت روحانیت مبارز پیرو خط امام و همچنین ارگانهای انقلابی، مبنی بر عزای عمومی در این شهرستان، روز ۲۷ فروردین جو تشنج از بین رفت و آرامش به این شهر بازگشت. در این روز مردم با شرکت همه‌جانبه در مراسم تسبیح‌چانه پاسداران شهید، بار دیگر پیوند خود را با انقلاب و عزمشان را برای حفظ دستاوردهای انقلاب به نمایش گذاردند. ما ضمن محکوم کردن این نوع درگیریها، که در شرایط حساس کنونی، قبل از همه به‌نفع آمریکا و بیش از همه به‌ضرر انقلاب ایران تمام میشود، از همه ارگانها و عناصر و گروههای متعهد به انقلاب می‌خواهیم که با اینگونه مسائل هشیارانه برخورد کنند.

رفقا ابراهیمی و بدرنیا را از زندان مهاباد آزاد کنید

۲ نفر از هواداران حزب توده ایران در مهاباد به اسامی ثاوات ابراهیمی و طه بدرنیا روز ۱۷ فروردین ۶۰، هنگام پخش اعلامیه‌های افشاگرانه در مورد باندها قاسم‌قوی، توسط سپاه پاسداران این شهر دستگیر شدند. براساس اطلاعات رسیده این دو نفر به‌همراه ۲ از هواداران و اعضای حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چپ‌پارم) فعلا در اتاقی زندانی هستند، و برغم مراجعات مکرر برای آزادی آنها، هنوز اقدامی در این مورد نشده است. تنها گفته‌اند که رفقای ما باید تعهدنامه‌ای پر کنند که دیگر کار تبلیغاتی انجام ندهند، تا در آن‌صورت آزاد شوند. از آنجا که این دو رفیق نوجوان ما از این کار خودداری کرده‌اند، آنها را همچنان در بند نگاهداشته‌اند. مسئول زندان به رفقای ما گفته است: «این زندان را پر از توده‌ای و کنگره چهارمی می‌کنم».

از آنجا که این سخن از دهان یک مقام مسئول هوادار انقلاب تعجب‌آور و تاسف‌انگیز است، ما از مقامات شهر مهاباد و بویژه مسئول سپاه پاسداران این شهر می‌خواهیم که دقیقا به این مسئله رسیدگی کنند. ما بار دیگر آزادی فوری و بدون قید و شرط رفقای زندانی را خواستاریم.

Table with 2 columns: Amount (ریال) and Description (اهدائی مهران و مرجان). Includes items like 'به‌حزب پدرشان' (60000), 'ناهدت' (5000), 'پیمان از قلکش' (500), etc.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

بزرگداشت تشکیل جمهوری اسلامی ایران در آبادان

سالگردتشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران در روز ۱۲ فروردین سال ۶۰، با شکوه فراوان در گلستان شهدای شهرستان آبادان، با حضور امام‌جمعه این شهرستان و گروهی از رزمندگان جبهه‌های جنگ آبادان و خونین‌شهر جشن گرفته شد. در آغاز این مراسم، بعد از خواندن چند سرود، حجت‌الاسلام چپی، امام‌جمعه آبادان، در مورد روز ۱۲ فروردین، روز برگزاری فرمانروم برای برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران، سخنانی ایراد کرد. این مراسم با قرائت قسمتهایی از وصیت‌نامه یک شهید درجنگ تحلیلی صدام بر ایران، خاتمه یافت.

به کمک سیلزدگان استان خراسان بشتابیم

جاری شدن سیل در خراسان، به مشهد و روستاهای اطراف آن و شهرهای قوچان، شیروان و تربت جام خسارات فراوانی زد. در مشهد سیل خیابانها و معابر شهر را دربر گرفت و به تعدادی از خانه‌های مسکونی در نقاط مختلف شهر و از جمله قریه آبکوه خساراتی وارد کرد. سیل در روستاهای شیروان و بویژه روستای زیارت نیز خسارات فراوانی به بار آورد. فرماندار قوچان روز ۹ اردیبهشت، با توجه به آنکه شهر در محاصره سیل قرار گرفته بود، از مردم خواست تا خانه‌های خود را خالی کنند و از شهر خارج شوند. در روستاهای اطراف قوچان نیز سیل خرابیهایی زیادی ایجاد و در روستای «کلاته زینل» بیشتر خانه‌ها را ویران کرد. تاکنون سیلابهای چند روزه در شیروان، قوچان، مشهد و تربت‌جام باعث ویرانی صدها خانه و مغازه شده است و به کشاورزان، باغداران و دام‌داران خسارات سنگینی وارد آورده است. تاکنون از تلفات جانی این سیلاب گزارشی دقیقی بدست نیامده است. اکنون مردم مناطق سیل‌زده همراه با نهادهای انقلابی و ارگانهای مسئول به کمک سیل‌زدگان شتافته‌اند. ما ضمن ابراز همدردی با مردم این مناطق، از مقامات مسئول استان و دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم که در کمک و یاری هرچه سریعتر به سیل‌زدگان هیچگونه تاخیری روا ندارند.

Advertisement for 'NAMEH MARDOM' magazine. Includes title 'نامه مردم' (Mardom Magazine), address 'ارگان مرکزی حزب توده ایران' (Central Organ of the Tudeh Party of Iran), and a list of prices for different countries: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr.

هند از تسلیح پاکستان توسط آمریکا ابراز نگرانی کرد



هند از تصمیم آمریکا درباره رساندن کمک به پاکستان برای تجدید تسلیح ارتش آن ابراز نگرانی کرد. وزیر دفاع هند ضمن ابراز این نگرانی در پارلمان این کشور گفت: «دولت هند اطلاعات موثقی در مورد تصمیم آمریکا درباره تحویل مدرترین سلاح‌ها به رژیم ضیاءالحق و همچنین اعزام تعداد زیادی از مستشاران نظامی به پاکستان را در اختیار دارد».

کنفرانس بین‌المللی همبستگی خلق کامپوجیا گشایش یافت

کنفرانس بین‌المللی همبستگی با خلق کامپوجیا به ابتکار سازمان همبستگی ملل آسیا و آفریقا در پنجمین گشایش یافت. در این کنفرانس نمایندگان بسیاری از کشورهای و عده‌ای از سازمانهای بین‌المللی شرکت دارند.

برگزاری جشن اول ماه مه در نقاط مختلف دنیا

روز اول ماه مه - روز جهانی کارگر - با شکوه تمام توسط کارگران انگلستان، فرانسه، ایتالیا و سوئد برگزار شد. کارگران این کشورها زیر شعارهای دفاع از صلح و ضرورت خلع سلاح، جشن بزرگ روز کارگر را برپا کردند. کارگران از مقامات دولتی خواستند که برای بهبود وضع کارگران و کارمندان و علیه بیکاری روزافزون تدابیر موثری اتخاذ کنند. محافل مترقی سوئد در میتینگهای استکهلم و شهرهای دیگر سوئد از ایالات متحده آمریکا، بملت افزایش تسلیحات در اروپای غربی شدیداً انتقاد کردند و اعلام داشتند که مصر با استقرار موشکهای جدید آمریکایی مقابله خواهند کرد.

برای رسیدگی به مساله نامی بیا: گروه کشورهای آفریقائی خواستار تشکیل جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد شد

گروه کشورهای آفریقائی در سازمان ملل متحد، بدنبال محرم قلعنامه‌های مربوط به نامی بیا توسط آمریکا، انگلیس و فرانسه از شورای امنیت تقاضا کرد که مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای بررسی مسئله نامی بیا تشکیل شود. در این قلعنامه‌ها قطع روابط سیاسی و بازرگانی با رژیم آفریقای جنوبی، قطع ارتباط هوایی و مبادله توریستی، تحریم تحویل اسلحه و نفت به این کشور، که قبلاً اعلام شده، منظور گردیده بود.

کورت والدهایم: پیشنهادهای شوروی برای تحکیم صلح و امنیت ارزش عالی دارد

کورت والدهایم، دبیر کل سازمان ملل متحد، در یک مصاحبه مطبوعاتی که در آستانه سفر او به شوروی انجام شد، نقش اتحاد شوروی در این سازمان و پیشنهادهای شوروی برای تحکیم مبانی صلح و امنیت را دارای ارزش عالی ارزیابی کرد. والدهایم در این مصاحبه ابراز امیدواری کرد که پشتیبانی شوروی از هدفهای سازمان ملل متحد عامل اصلی در جلوگیری از تیرگی روابط بین‌المللی باشد. دبیر کل سازمان ملل متحد علاقه خود را به پیشنهادهای شوروی درباره خلع سلاح و دیگر ابتکارات در زمینه سیاست خارجی، که در کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام شده، ابراز داشت.

یوگسلاوی ولیبی استقرار نیروهای واکنش سریع را در کشورهای خلیج فارس محکوم کردند

یوگسلاوی و لیبی توسعه تجاوز اسرائیل به لبنان و استقرار نیروهای واکنش سریع را در خلیج فارس محکوم کردند. این دو کشور اعلام داشتند که از ابتکارات کشورهای عربی در سازمان ملل متحد در زمینه رفع بحران لبنان پشتیبانی خواهند کرد.

گردهمائی جهانی روزنامه نگاران، مداخلات آمریکا در السالوادور را محکوم کرد

گردهمائی جهانی روزنامه نگاران در شهر ماناگوآ، پایتخت نیکاراگوئه، به پایان رسید. شرکت کنندگان در این کنفرانس با صدور سند نهائی - اعلامیه ماناگوآ - نگرانی خود را از اوضاع آمریکای مرکزی اعلام داشتند. در این اعلامیه گفته می‌شود: «مداخله مسلحانه آمریکا در السالوادور واقعیت یافته است. خطر تجاوز به خاک نیکاراگوئه وجود دارد». نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس، سیاست آمریکا را نسبت به نیکاراگوئه، که سیاست اعمال فشار و شانتاژ است، محکوم کردند.